



سالی دیگر سپری شد، سال ۹۵ با حوادث و فراز و نشیب هایی که داشت گذشت. دوباره بوی بهار به مشام می رسد، بار دیگر بهار از راه می رسد، طبیعت، با رنگ و نقشی نوزیایی سحرانگیز خود را به رخ می کشد تا به عظمت نقاش و پیکرساز جهان ایمان بیاوریم و از طبیعت دگرگونی بیاموزیم. بهار طبیعت بار دیگر جلوه ای از شکوه و عظمت خالق هستی را به تماشا می گذارد. بهار دل و جان انسان ها را هم شکوفا می سازد. بهار، سردی و خمودی زمستان را از جان ما می زداید. بهار، سخاوتمندانه، دامنی از گل به زمین می بخشد. بیاییم کمی پای درس بهار بنشینیم و بهاری شویم.

خانه تکانی چه زیباست ولی زیباتر خانه تکانی دل ها و قلب هاست تا از غبار دلخوری ها صاف و پاک شود، دل ها را بتکانیم، غصه ها را دور بریزیم، با خدای خود عهد ببندیم، غیبت نکنیم، دروغ نگوییم، مغرور نباشیم، معصیت نورزیم. پیشاپیش فرا رسیدن سال نو را خدمت یک یک همشهریان عزیز تبریک گفته، برای همه ی کشور و مخصوصا شهر و دیار خودمان، شهرستان اشکذر، روزهای آبادتر از خدا طلب می کنیم.

از بهار تا بهار خوب زیستن را برایتان آرزومندیم. (مدیر مسئول)

صفحات ویژه نوروز

۸،۷،۶



برگی از تاریخ شفاهی
گفت و گو با حاجی علی اکبر دهقانی

صفحات ۱۵، ۱۴، ۱۳



پیام نوروزی
شهردار اشکذر

صفحه ۱۱



درخت بکارید، عیدی بگیرید

همایش خانوادگی درختکاری
سایه ماندگار



وعده دیدار پارک بزرگ شهر اشکذر
ساعت ۱۵ جمعه بیستم اسفند



نتیجه آخرین بازی فرانک اشکذر

پیروزی بر میبد و کسب مقام سوم استان

تیم فرانک اشکذر با سرمربی گری آقای علی محمد دهقانی در آخرین بازی خود در مقابل پاس میبد با نتیجه ۳ بر ۲ به پیروزی رسید و با این برد توانست مقام سوم لیگ برتر استان را بدست آورد. گل های این بازی که در ورزشگاه ۲۲ بهمن اشکذر برگزار شد به وسیله محسن خلیلیان، جلال غلامزاده و جواد شجری به ثمر رسید. لازم به ذکر است در لیگ برتر فوتبال استان تیم شهدای بافق با ۵۶ امتیاز و تیم انصار همین شهر با ۵۴ امتیاز بالاتر از فرانک اشکذر در مقام های اول و دوم ایستادند.

پس از ۱۳ سال در گنبد کاووس، پسر ناگهان دختر شد و بلافاصله ۱۰ خواستگار پیدا کرد !!!

جوان ۲۰ ساله‌ای، پس از سال‌ها زراعت و چوپانی و انجام کارهای سنگین و طاقت‌فرسا، لباس مردانه را از تن بیرون کرد و لباس زنانه پوشید و به اطرافیانیش گفت: حالا دیگر موقع آن رسیده است که راز چندین ساله خود را فاش کنم. من دختر هستم و در این ۲۰ سال به علت نداشتن سرپرستی دلسوز برای آن که کسی مزاحم من نشود، لباس مردانه می‌پوشیدم! اما حالا که به سن قانونی رسیده‌ام باید به خانه شوهر بروم و زندگی تازه‌ای را شروع کنم! در حدود ۱۳ سال قبل دو کودک خردسال که خود را با اسمی فاضل و علی اهل بلوچستان معرفی می‌کردند، از خانه خود گریختند و پای پیاده به طرف نقطه نامعلومی به راه افتادند. این دو طفل که به علت فوت پدرشان دایی آنها سرپرستیشان را به عهده گرفته بود و به عللی آنها را آزار می‌داد و اذیت می‌کرد تصمیم گرفته بودند به دهکده دور افتاده‌ای بروند و کار کنند در حالی که سن کودک بزرگ‌تر از ۹ یا ۱۰ سال تجاوز نمی‌کرد. سرانجام دو کودک سرگردان به قریه شریف واقع در منطقه کلید داغ گنبد کاووس رسیدند و در آنجا با اطلاع کدخدای قریه نزد یکنفر از کشاورزان به کار مشغول شدند. سیزده سال تمام دوش به دوش کارگران در مزارع کار کردند و زحمت کشیدند و با آبرومندی کامل زندگی کردند تا این‌که چند روز پیش فاضل نزد همسر اربابش رفت و راز عجیبی را برای او فاش کرد. فاضل اعتراف کرد که دختر است و نام اصلیش فاطمه است ولی برای آن که کسی به راز او پی نبرد و مزاحمش نشود نام خود را تغییر داده و لباس مردانه به تن کرده است!

وی سپس لباس مردانه را از تن بیرون آورد و لباس زنانه پوشید و گفت: حالا موقع آن رسیده است که با موافقت برادرم علی به خانه شوهر بروم و زندگی تازه‌ای را آغاز کنم. در اندک مدتی ماجرای زندگی این دختر ۲۰ ساله که ۱۳ سال تمام لباس مردانه پوشیده و به کارهای سنگین و طاقت‌فرسا اشتغال ورزیده بود نقل مجالس شد و عموم اهالی دهکده از این راز عجیب آگاه شدند. جالب این‌که ظرف چند روز بیش از ده خواستگار برای فاضل دیروز و فاطمه امروز پیدا شد ولی فاطمه می‌گوید: من در این ۱۳ سال مردها را خوب شناختم، در انتخاب همسر نباید عجله کرد...

ایرانی‌ها سه برابر استاندارد جهانی نمک می‌خورند !!!



وزیر بهداشت با عنوان این مطلب که برای رشد اقتصادی و حفظ امنیت در هر کشوری باید به سلامت به عنوان عامل اثرگذار مهم توجه شود به تشریح وضعیت سلامت در جامعه پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، سیدحسین هاشمی در نخستین مجمع سلامت که در مرکز همایش‌های رازی برگزار شد گفت: در دولت یازدهم توجه ویژه‌ای به سلامت مردم شد به گونه‌ای که توجه به سلامت ایران در این دولت بی سابقه بوده است. وی با عنوان این مطلب که هنوز مشکلاتی در حوزه سلامت وجود دارد کم نیست تأکید کرد: امیدواریم در یک دوره ۱۰ تا ۱۵ ساله بتوانیم به استانداردهای مطلوب در حوزه سلامت دست پیدا کنیم.

وزیر بهداشت با توجه به اینکه تا ۵۰ سال پیش، بیماری های واگیر، مهمترین عامل مرگ و میر بودند افزود: امروزه بیماریهای غیرواگیر بیشترین گرفتاری جوامع را تشکیل می‌دهد.

وزیر بهداشت در ادامه به دیابت اشاره کرد و اظهار کرد: ۱۰.۳ درصد زنان و ۸.۵ درصد مردان ما دیابت دارند و این وضعیت

در مناطق شهری ۹.۹ درصد و در روستاها ۷.۸ درصد است. به گفته وزیر بهداشت زنان استان سمنان بیشترین درصد دیابت در کشور را دارند.

وی به شیوع چربی اشاره کرد و گفت: ۲۹.۵ درصد زنان و ۲۲.۵ درصد مردان ما چربی دارند به طوری که این آمار در مناطق شهری ۲۷.۷ درصد و در روستا ۲۰.۷ درصد است. همچنین بیشترین شیوع چربی در استان تهران است.

وزیر بهداشت با اعلام اینکه ۵۰ درصد مرگ و میر ایرانی‌ها به خاطر بیماریهای قلبی و سکنه‌های مغزی است افزود: متأسفانه ۴ درصد زنان و ۲۵.۱۶ درصد مردان ما، مصرف کننده دخانیات هستند به طوری که این وضعیت در مناطق شهری ۱۳ درصد و در روستاها ۱۵.۵ درصد برآورد می‌شود. هاشمی به مصرف سبزیجات اشاره کرد و گفت: زنان و مردان ما تقریباً به یک اندازه میوه و سبزیجات استفاده می‌کنند به طوریکه این میزان برای هر دو جنس ۴۸ درصد گزارش شده است به گفته وی مردم بوشهر بیشترین درصد مصرف میوه و سبزیجات را دارند.

وزیر بهداشت در ادامه به مصرف فست فود اشاره کرد و گفت: ۱۱ درصد زنان و ۱۴.۶ درصد مردان ما فست فود می‌خورند و این وضعیت در مناطق شهری ۱۴ درصد و در روستاها ۹ درصد گزارش شده است. همچنین مردم استان یزد بیشترین استفاده کننده از فست فودها هستند.

هاشمی در ادامه به مصرف بالای نمک در ایران اشاره کرد و هشدار داد: مصرف نمک ما ۱۲ گرم است که این عدد حداقل سه برابر مصرف جهانی است و بیشترین علت آن به خاطر مصرف نان است که در آن از نمک زیاد استفاده می‌شود. با اعلام اینکه تنها ۱۵ درصد زنان ما کمتر از ۵ گرم نمک مصرف می‌کنند که این نشان می‌دهد ۸۵ درصد زنان ایرانی بالاتر از حد مجاز نمک استفاده می‌کنند. همچنین تنها ۶ درصد مردان ما کمتر از ۵ گرم نمک مصرف می‌کنند که نشان می‌دهد که ۹۴ درصد مردان ایرانی بیشتر از حد مجاز نمک می‌خورند. به گفته وزیر بهداشت مردم استان گیلان کمترین مصرف نمک را دارند.

وی در ادامه به موضوع فعالیت های فیزیکی اشاره کرد و افزود: ۹۶ درصد زنان ایرانی فعالیت فیزیکی خیلی کم و یا اصلاً ندارند و این وضعیت در بین مردان ما ۸۳ درصد گزارش شده است.

جوابیه

مدیر مسئول محترم ماهنامه اجتماعی فرهنگی آوای اشکذر
باسلام و احترام ،

عطف به درج مطلبی با عنوان " هیأت محترم تحریریه مجله فولاد آلیازی ایران " در ماهنامه شماره ۱۵ بهمن ماه آوای اشکذر صفحه ۳ آن نشریه و مذاکره حضوری ، لطفاً ترتیبی اتخاذ فرمایید وفق ماده ۲۳ فصل ششم قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نسبت به درج پاسخ این شرکت در شماره آتی در همان صفحه اقدام گردد.

شرکت فولاد آلیازی ایران از پروژه های ملی کشور و بزرگترین صنعت تولید فولادهای آلیازی در خاورمیانه و از کارخانه های مدرن دنیا با اشتغالزایی مستقیم و غیر مستقیم بیش از ۳۰۰۰ نفر از نیروهای بومی استان بوده و با حدود زیر کشت ۴۰۰ هکتار فضای سبز و هزینه ای بالغ بر ۴۰ میلیون دلار خرید و نصب تجهیزات محیط زیستی (با استاندارد روز دنیا) جهت کنترل آلودگی ، سرمایه گذاری کرده و بابت راهبری تجهیزات نصب شده محیط زیستی سالانه مبلغ ۳ میلیارد تومان هزینه می نماید و عملکرد سبز و درخشانی چون " صنعت سبز در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ " را در بین صنایع فلزی کشور در کارنامه خود دارد. نویسنده گرامی به دلیل عدم اطلاع رسانی و عدم اطلاع از این صنعت بزرگ که افتخار استان و کشور می باشد این صنعت را در زمره صنایع فلزی کوچک همجوار می داند که کل منطقه و حتی فولاد آلیازی ایران نیز از آلودگی آنها بی بهره نیست.

کارکنان شرکت فولاد آلیازی ایران که خود از فرزندان استان یزد می باشند نیز از منتقدان نحوه عملکرد و تولید در صنایع همجوار هستند که هم فاصله نزدیکتری به این کانون های آلودگی دارند و هم اینکه در میان افکار عمومی به علت همجواری این صنایع آلودگی در منطقه به نام فولاد آلیازی ایران ثبت می گردد. این نکته حائز اهمیت است که این شرکت از ابتدای سال جاری حتی به سیستم های پایش به روز کنترل آلودگی مجهز شده که در طول شبانه روز و در تمام لحظات نحوه کارکرد و راندمان فیلترهای آن از طریق اینترنت قابل رصد کردن توسط مراجع ذیصلاح از جمله سازمان محیط زیست استان می باشد.

شایان ذکر است در ارتباط با پروژه یزد یک، نیز کلیه ارزیابی های محیط زیستی آن انجام شده و فولاد آلیازی متعهد به استفاده از تکنولوژیهای سبز روز اروپا در حین عملیات ساخت و مونتاژ تجهیزات به منظور پیشگیری از ایجاد آلودگی می باشد و آن را در سرفصل کار خود قرار داده است .

این شرکت در طول سالهای گذشته و سال جاری از طرق مختلف حامی موسسات عام المنفعه بوده و در این رابطه هماهنگی لازم را با مقامات اجرایی شهرستان اشکذر دارد.

ابراهیم کاوه

سرپرست روابط عمومی

دیدگاه

در خصوص برنامه پیشنهادی گروهی از فعالین اجتماعی اشکذر مبنی بر کنارگذاشتن پذیرایی غذایی از مجالس مرتبط با درگذشتگان ، افراد متعددی با حضور در دفتر نشریه یا با ارسال مطلب ، یا تماس تلفنی و نیز ارسال پیامک، پشتیبانی خود را از این برنامه ابراز داشتند و از اجرای آن استقبال نموده و خواستار اعلام قهرمانی در برنامه ریزی و نیز قهرمانی از همکاری خانواده های محترمی بودند که در برگزاری مجالس ختم تازه گذشتگان شان پذیرایی غذایی را حذف نمودند، ضمن این که یکی از اهالی حقوق خوان و حقوق دان ، دیدگاه حقوقی خود به موضوع را طی مطلبی برای چاپ در نشریه برایمان ارسال داشته بودند که در آن انتقاداتی حقوقی به موضوع را وارد دانسته و هم به تعبیری به اصطلاح حقوق دانان در شکل اجرایی آن هم ایراداتی دیده بودند که مجال چاپ آن نبود. از این که مردم نشریه را متعلق به خود می دانند و مطالب و نظرات خود را به دفتر نشریه ارسال می دارند و موجب دلگرمی ما می شوند بسیار خرسندیم و از این که در امور مربوط به خودشان مشارکت دارند ، قدردانی می کنیم.

آوای مردم

آوای اشکذر : آمادگی دارد پاسخ های کسانی که در آوای مردم مورد انتقاد قرار می گیرند را به چاپ برساند تا حق کسی ضایع نشده باشد.

ساختمان فرمانداری اشکذر چندین سال است که هر مدت یک بار یک تکه به آن اضافه می کنند و آخرش هم ساختمان آبرومندی که درخور و مناسب باشد ندارد. از فرماندار محترم درخواست می کنم برای ساخت یک ساختمان که در شان فرمانداری باشد اقدام کنند . از شورای شهر و شهرداری هم همینطور برای ساختمان شهرداری

از شهروندان
در کوچه های شهرک حمزه گاهی وقت ها که کم هم نیست ، جرثقیل هایی با بارهای ترافیکی پارک می کنند که خطرناک و موجب مردم آزاری است. در موارد زیادی هم نشت روغن یا گازوئیل دارند و آسفالت ها را خراب می کنند. خوب است از طریق هر ارگانی که مسئولیت دارند تذکر داده شوند

از شهروندان
من یکی از اهالی حکیم آباد هستم. چند سال طول کشید تا بالاخره با پیگیری های مردم و همه ی مشکلاتی که بود مرز اشکذر و زارچ مشخص گردید و میخ کوبی آن هم انجام شده ولی مدت مدیدی است که مردم در انتظار تحویل آن از طرف دولت هستند که مسئولین کوتاهی می کنند، مطلب دیگر موضوع فلکه مشترک زارچ و اشکذر می باشد که آن هم چندین سال طول کشید تا بالاخره نقشه ی آن تهیه شد و نزدیک به اجرا رسیده بود که دوباره گفتند می خواهند نقشه را عوض کنند و فلکه را از محل اصلی و طبیعی خودش کمی به داخل زارچ منتقل کنند که اگر این طوری شود خیلی به ضرر اشکذر و مخصوصاً حکیم آباد می شود و شهرداری اشکذر نباید اجازه ی چنین کاری را بدهد و موضوع سوم هم این که ما نمی دانیم وقتی هیچ یک از اتوبوس های خط واحد قرار نیست از طریق باغ بالا و حکیم آباد به زارچ و یزد بروند، چرا ایستگاه و تابلو برایش گذاشته اند؟ آیا باید جمع کنند که ناراحتی مردم کمتر باشد، امیدواریم شهرداری به حکیم آباد هم کمی توجه کند.

هیچ تابلویی در این جا نصب نشده که معلوم شود کجاست. اگر یک غربیه بیاید سرگردان می شود. درخواست می کنم مسئولین اشکذر حکیم آباد را هم جزء خودشان بدانند. ببخشید که زیاد گفتم. درد دل مردم است. خواهش می کنم بنویسید

از شهروندان
اشکذر با همه ی گرفتاری هایی که داشته است چند و چندین سال است شهرستان شده است ولی متأسفانه هنوز میراث فرهنگی اش از حد نمایندگی بالاتر نرفته. در حالی که شهرستان اشکذر از جهت میراث فرهنگی خیلی غنی بوده و واقعا میراث فرهنگی ارزشمندی دارد که به شدت هم نیازمند رسیدگی می باشد ولی اگر شما سر بزیند می بینید نه بودجه ای ، نه اعتباری ، نه کارشناسی، هیچ چیز ندارد و مسئولین استان هم بیش تر از مرکز استان نمی رسند. من از شهرستان های هم جوار بی خبر نیستم. واقعا چه بودجه های عظیمی جذب می کنند ولی وضعیت اشکذر خیلی تأسف آور است ، آسباب اشکذر دارد خراب می شود، هیچ کس یادش نیست. از امام جمعه محترم، فرماندار، شورای شهر درخواست دارم پیگیری کنند میراث فرهنگی اداره شود

از شهروندان
یک نفر خیر پیداشده تصمیم گرفته برای روضه الشهدا غسلخانه نو و استاندارد بسازد به نظر من کار بسیار خوبی است چون غسلخانه قدیمی مجهز و استاندارد نیست و از نظر بهداشتی ایراد دارد و برای نمای گلزار شهدا هم ممانعت دارد

از شهروندان
آژانس های اشکذر برای وقت مردم ارزش قائل نیستند. وقتی رنگ می زینم می گویند الان ماشین می آید ولی گاهی تا ۲۰ دقیقه منتظر مانده ام تا ماشین آمده
از شهروندان
من مستاجر یک مغازه در خیابان امام خمینی هستم. صاحبان مغازه های خیابان امام مرتب اجاره را بالا می برند و اگر هم

شهروندان می توانند هر گونه مطلب، گزارش، درخواست و پرسشی که داشته باشند به صورت پیامک یا با شماره تلفن های صدای مردم در میان بگذارند تا به اطلاع مسئولین ذیربط رسانده شود.

ارسال پیامک: ۰۹۱۳۳۵۲۷۰۸۴ **پیام گیر: ۳۲۷۲۶۲۸۶**

بگوییم گران است فوراً می گویند خالی کن. ما هم چاره ای نداریم که قبول کنیم ، آیا واقعا نباید از طرف دولت ارگانی مسئول تعیین میزان اجاره بها باشد. این درست است که صاحب مغازه هر قیمتی دلش خواست بگوید و مستاجر هم چاره ای نداشته باشد. یکی از اهالی توده ساکن خیابان شهید داداشپور هستم. الان دیگر وقت آن رسیده که قبرستان اشکذر از محل فعلی به جای دیگری منتقل شود ولی گویا شهرداری و شورای شهر چنین برنامه ای ندارند. چون تازه می خواهند غسلخانه جدید بسازند. واقعا این کار اشتباه است. تجدید نظر کنند.

از شهروندان
از قرار معلوم آموزش و پرورش در نظر دارد در دبیرستان ها رشته ی ریاضی دایر نباشد و هر دانش آموزی که می خواهد در رشته ی ریاضی ادامه تحصیل دهد، به مرکز استان برود. اگر این مطلب صحیح باشد، ظلم آشکاری در حق خانواده ها و دانش آموزان می باشد و مسئولین آموزش و پرورش باید جلوی این اقدام را بگیرند. از شهروندان
من مدتی پیش یک پیام داده بودم که شهرداری به فلکه ورودی عمارشهر رسیدگی کند که آب گل کاری میان فلکه روی آسفالت خیابان نبیاید. می خواستم از شما تشکر کنم که نوشتید و از شهرداری هم تشکر کنم که آمدند مشکل آن را حل کردند. شهرداری اشکذر الان در وضعیت مناسبی است و شهردار مدیریت خوبی دارد، در این مدت که شهردار اشکذر بوده توانایی و لیاقت نشان داده. من به سهم خودم از شهردار تشکر و قدردانی می کنم.

از شهروندان
یک برنامه ی خیلی خوبی که در اشکذر عده ای پیشقدم شده اند ، این است که پذیرایی را از مجالس مخصوصاً مجلس ختم برداشتن. خانواده های فوت شدگان هم خیلی همراهی خوبی داشتند. کسانی که به دنبال اجرای این برنامه بودند بانی خیر شدند من تشکر می کنم. از شهروندان
گزارش اداره کتابخانه های عمومی شهرستان اشکذر که در شماره ی قبل چاپ کرده بودیم به نظر من افراتر آميز بود. برگزاری ۶۵ نشست کتاب خوان در ۱۰ ماه، برای من که با فعالیت کتابخانه ها آشنا هستم، باورکردنی نیست. لطفاً بگویند تاریخ و محل برگزاری جلسات را برایتان بفرستند تحقیق کنید و نتیجه اثر هم بنویسید.

از شهروندان
می خواستم به اطلاع شهرداری برسانم اینکه در مواظبت هستم باغ و زمین های کشاورزی حفظ شود. اخیراً یک زمین مزروعی بزرگ در خیابان شهید داداشپور ، جنب ورزشگاه ، برای مسکونی قطعه بندی کرده اند.

از شهروندان
از چرخاب اشکذر به سمت سفیدکوه و به پلیس راه تفت فاصله زیادی نیست ، اگر فرمانداری ها ، شهرداری ها و شوراهای اسلامی شهرستان اشکذر و تفت برای احداث راه آهن اقدام کنند باعث تحول خیلی خوب می شود . الان هم یک راه کم عرض وجود دارد ولی اگر جاده درست شود راه پر رفت و آمدی خواهد بود.

از شهروندان
از شهردار لایق و با مدیریت محترم اشکذر به خاطر مرمت آسفالت کوچه ها و بطور کلی به خاطر فعال بودنشان تشکر می کنم
از شهروندان
حال که با گذشت بیش از سه و نیم سال از مصوبه تغییر نام شهرستان اشکذر، و با تمام پیگیری ها و درخواست های انجام شده، به دلایل واهی و بی اساس، مسئولین استان اراده و توان اجرای کامل این مصوبه را ندارند، به جاست که دوباره بخش وسیع ندوشتن که بدون رضایت مردم و انجام کار کارشناسی به ناحق از این شهرستان جدا شد را به اشکذر ملحق کنند.

از شهروندان

به همین خاطر همسایه ها از منزل خودشان غذای آماده برایشان ببرند، کنارشان بنشینند و سعی کنند با حرف هایی که باعث آرامش خاطر می شود به آن ها تسلی خاطر بدهند، به آن ها که در غم و ناراحتی راه گلویشان بسته شده و به غذا میل و اشتیاهی ندارند دلداری بدهند و چند لقمه غذا بخوراند. اما اکنون بیایید ببینید ما چگونه این برنامه ی خوب را وارونه اش کرده ایم، مجلس ختم متوفی را به پذیرایی کسانی که برای عرض تسلیت آمده اند چنان گره زده ایم که انگار مجلس ختم بدون پذیرایی نمی شود به اضافه ی این که پذیرایی های هزینه دار این گونه مراسم مشکلات دیگری هم دارد که فعلا مجال پرداختن به آن ها نیست (العاقل یکفیه الاشارة). به هر جهت مدتی پیش چند نفر خیرمند پیشقدم شدند که در جهت حذف رسم ناپسند پذیرایی در مجلس ختم تلاش کنند و جمع دیگری هم آن ها را همراهی کردند که تاکنون به لطف و مساعدت بازماندگان چندین متوفی اخیر، خدا را شکر این جهد قرین توفیق شده است، البته که صاحبان عزرا و بازماندگان هر متوفایی دوست دارند از کسانی که از راه دور و نزدیک برای ابراز هم دردی و عرض تسلیت در مجلس ختم شرکت کرده اند پذیرایی کنند و قدر دان زحمتشان باشند. اما پذیرفتن برگزاری مجلس تحريم بدون پذیرایی غذایی قدم مثبت بزرگيست در کنار گذاشتن این رسم ناپسند، امید آن که بانیان این اقدام خیرمندان همواره در هر کار نیک موفق شده و زحمتشان نزد پروردگار مقبول و ماجور باشد. من عمل صالحا فلنفسه (م-ج- الف)

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۵/۱۱/۲۱ در ساعت ۹ بعد از ظهر جلسه ای در محل مسجد حاج رحبعلی اشکذر با موافقت امام جمعه محترم اشکذر حضرت حجت الاسلام والمسلمین طالبیان و حضور جمعی از روحانیون، معتمدین محل، اعضای شورای شهر اشکذر، روسای هیئت های عزاداری و هیئت امنای مساجد، جمعی از فرهنگیان و فرهیختگان و همچنین جمعی از اهالی اشکذر تشکیل گردید. در مورد برگزاری مجالس ختم، سوم، هفته، چهارم، سال همچنین سالگرد درگذشتگان و مراسمی از این قبیل با توجه به دستورات اکید اسلام و تالم روحی بازماندگان، از این به بعد پذیرایی غذا از شرکت کنندگان صورت نگیرد. و توافقی گردید هیئت امناء، متولیان، ائمه جماعات مساجد در اجرای این صورت جلسه کمال همکاری به عمل آورده و هر چند بانیان و صاحبان عزرا و برگزار کنندگان مجالس اصرار داشته باشند با پذیرایی غذا در مجلس مذکور هیچ وجه موافقت نگردد. ضمنا پیشنهاد می گردد مجالس ترحیم در بعد از ظهر ایام هفته بصورتی برگزار گردد که قبل از اذان مغرب خاتمه یابد.

حاضرین در جلسه که صورت جلسه را امضاء و یا مهر نموده اند:

- جمعی از روحانیون محترم
- جمعی از معتمدین محل
- شورای اسلامی شهر اشکذر
- جمعی از فرهنگیان و استادان دانشگاه
- روسای هیئت های مذهبی
- هیئت امناء مساجد بزرگ شهر
- اعضاء مجمع دانش پژوهان اشکذر

ضمنا اصل صورت جلسه با امضاء و مهرهای گواهی شده در دفتر امام جمعه محترم اشکذر موجود و نگهداری می شود.

ارادتمندان اهلبیت (ع) ثنورات و اطعام خورا بر مناسبت های مذهبی ویژه ماه محرم و افطاریهای ماه رمضان انجام دهند.

کسانی مثل من که بیش تر از ۵۰ سال از زندگی خود را پشت سر گذاشته اند، قطعاً غم از دست دادن عزیزی را تجربه کرده اند. که می تواند مرگ پدر، مادر، خواهر، برادر و یا فرزند دلبندي بوده باشد. هر کس به مرگ عزیزی مبتلا شده باشد به خوبی می داند با فوت یک نفر هر کس از جهت فامیلی به متوفی نزدیک تر باشد، تأثیرش شدیدتر است و تأمل روحی و روانی اش افزون تر، و غم و فراق برایش سنگین تر، مرگ عزیز جراحات بزرگيست بر روح و جان و روان آدمی که تنها مرور زمان می تواند مرهمی باشد بر این جراحات.

سعدی به روزگاران مهری نشسته در دل بیرون نمی تواند کرد الا به روزگاران البته داغ فرزند مشمول مرور زمان نمی شود و زخمش برای پدر و مادر همیشه تازه است و التیام ناپذیر. (یا رب مباد کس را) علی ایحال، درک این معنی برای آدمی بدیهی است و به همین دلیل در تعلیمات و آموزه های دینی و اخلاقی به مردم توصیه شده است دیگران را در غم و مصیبت مرگ عزیزانشان تنها نگذارید، خودشان را در غم آن ها شریک بدانند، با آن ها ابراز همدردی کنند، در رقت و فتن و امور تشییع جنازه و کفن و دفن و مراسم میت پیش قدم شوند تا صاحبان عزرا از این جهات دغدغه ای نداشته باشند. تا آن جا که سفارش شده است در چند روز اول حتی همسایه ها هم غذای آماده برایشان ببرند. چرا که بازماندگان در مصیبت زدگی قلب و دل و هوش و حواسشان آرامش ندارد. در تالم روحی دست و دلشان به غذا پختن باز نمی شود،

صفحه خودمونی



عکس هایی از این دست برایمان بفرستید، چاپ می شود

تسلیت و تقدیر

بازماندگان تازه گذشتگان زوجه حاجی قاسم دهقانی (اکبری)، زوجه استاد غلامرضا عزیززاده، آقایان میرزا محمد علی متولی و محمد کاظم دهقانی

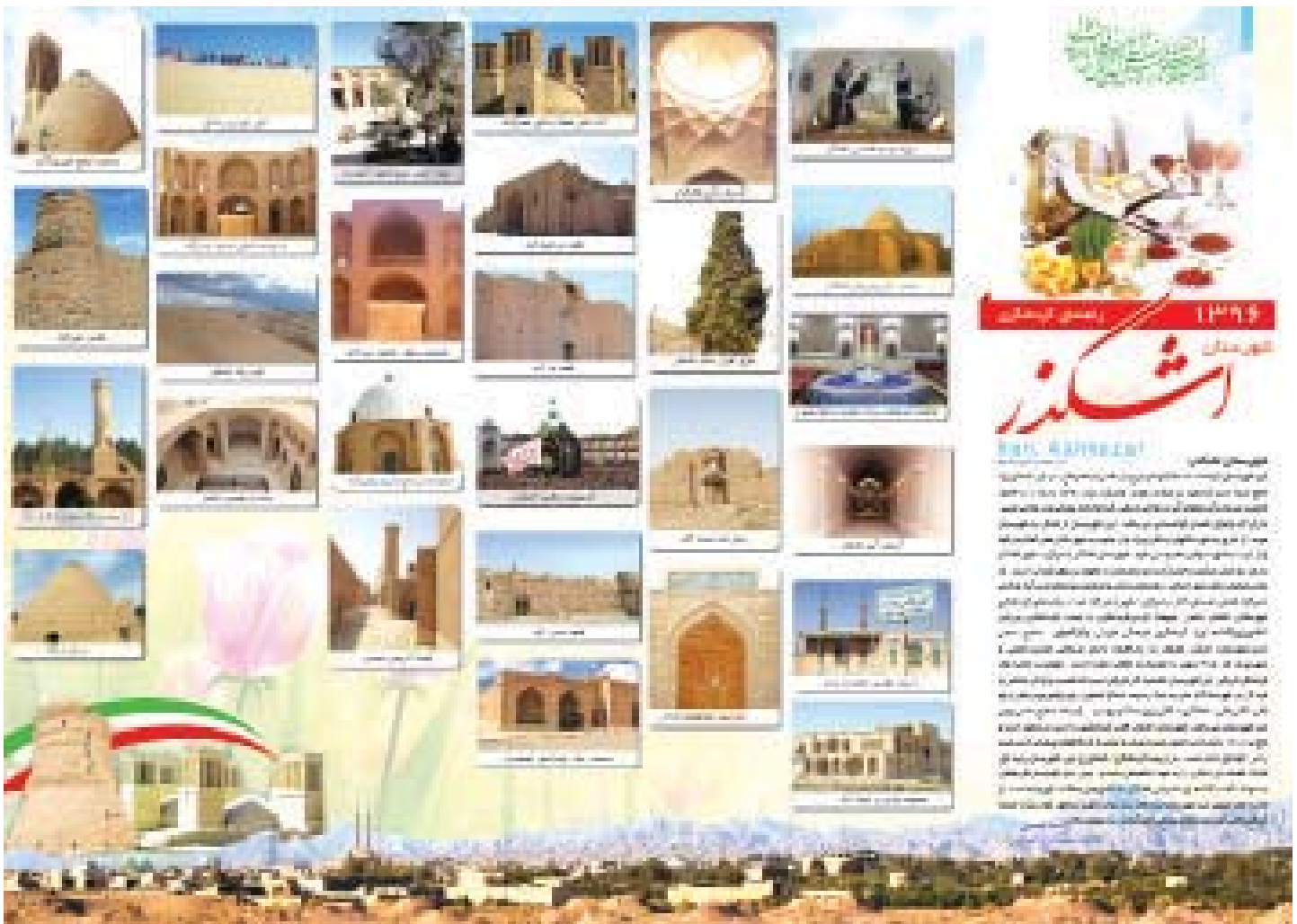
با کمال تأسف مصیبت وارده را به شما و سایر بازماندگان تسلیت گفته، تعالی روح و علو درجات آن رفتگان جنت مکان و صبر و اجرتان را از درگاه خداوند متعال مسالت می نمایم. ضمنا وظیفه خود می دانیم از این که به درخواست حذف پذیرایی از مجلس ختم با بزرگواری و سعه صدر موافقت نمودید و در اجرای این برنامه مفید و سازنده پیشقدم شدید مراتب امتنان و سپاسگزاری خود را تقدیم حضورتان می نمایم. (هیئت امنای مسجد حاجی ملا رحبعلی اشکذر)

عکس یادگاری، سال تحصیلی ۵۳-۵۲ (۵۲/۱۲/۱۵) کلاس اول دبستان خانقاهی (شهید رجایی) با تشکر از شماره ۱۹

- (۱) خانم آموزگار، دوستان
- (۲) خانم آموزگار، یغمایی
- (۳) عباس آقا باقری
- (۴) شهید محمد حسن دیودیده
- (۵) عباس حسن زاده
- (۶) شادروان امیر (محمد حسن) ناظم
- (۷) شهید علی محمد دهقانی (حاجی میرزا مرتضی

- (۸) سید علی بمان خادم الحسینی
- (۹) شهید علی اصغر دهقانی
- (۱۰) محمود دیماسی
- (۱۱) عبدالرضا دهدوار
- (۱۲) محمدرضا دهقانی (عضو اسبق شورای اسلامی شهر اشکذر)
- (۱۳) جواد مندگاری
- (۱۴) محمد جلال دهقانی
- (۱۵) شادروان محمود دهقانی (باغ بالا)
- (۱۶) شناخته نشد
- (۱۷) شادروان سید جلال یحیایی
- (۱۸) سید کاظم میردهقان
- (۱۹) کاظم جعفری نسب
- (۲۰) ناصر گنجی
- (۲۱) علی اصغر طالبیان
- (۲۲) میرزا دهقانی (فرزند حسن)
- (۲۳) حمیدرضا خلیلیان
- (۲۴) رضا دهقانی (حسن شال باف)
- (۲۵) شادروان سیدعباس میردهقان (سیدعلی اکبر)
- (۲۶) محمد زارع پور
- (۲۷) حسین مسعودی
- (۲۸) شهید عباس دهقانی
- (۲۹) شهید فضل الله کلانتری
- (۳۰) عباس گنجی (مخابرات)
- (۳۱) سیدحسین خادم الحسینی
- (۳۲) کاظم ایوبی

نگاهی به آثار تاریخی شهرستان اشکذر



بالاترین سند وفاداری مردمان خداجوی شهرستان اشکذر به نظام و انقلاب تقدیم ۳۰۵ شهید گلگون کفن می باشد

شهر فرهنگ و ادب

استاک در سال ۱۸۸۱

« ما شش میل انگلیسی از میان دریایی از تپه های شنی عبور کردیم و دوبار راهمان را گم کردیم . این همان شنی است بطوری که پیش بینی می شود روزی شهر یزد را غرق خواهد کرد . این شن اشک زار قدیم را پوشانده است . مسجد که مرکز ده قدیمی را نشان می دهد حالا تا وسط بنا در میان تپه شنی فرو رفته است . این تپه ها روی سقف خانه ها قرار دارند. دهکده به سمت شرقی محل سابق خود تغییر مکان داده است . با باد شدید که در این فصل از سال (ماه مه) اغلب می وزد ، همه نشانه ها گم می شوند و مسافران باید در هر جا که هستند آنقدر اتراق بکنند تا هوا دوباره صاف بشود وقتی باد شدید باشد ممکن است تپه های شنی با تمام موجودیشان از محلی به محل دیگر نقل مکان بدهند ما در اشک زار با یک چنین حالتی برخورد کردیم ، که بعد از ظهر تمام حیاط را با ابرهایی از شن پر کرد »

هدین،سون،کوبر های ایران،ترجمه پرویز رجبی:تهران،توکابهمن۱۳۵۵

شهر فرهنگ و ادب آثار تاریخی کهن
مسجد جامع که دارد قدمتی دور و دراز
آسیاب آبی و انبار آتش بنگـری
سرو سبز بی بدیلش قامتی دارد رسا
کار دست باهنرها می نوازند روح و جان
تل ریگش دیدنی باشد به هر دشت و دمن
در جهان هرگز ندیدم چون قنات اشکذر
صنعت پویای فرشش خودنمایی می کند
چهره های ماندگارش افتخار دیگرست
کسب صدها افتخار نخبگان اشکذر
با تلاش کشت کاران باغ ها آید پر
از قطاب و پشمک و شیرینی و گزهای خش
مردم مهمان نوازش میزبانی می کنند
عارفا عید آمد و مهمان نوروزی بسوی

می درخشد اشکذر همچون عقیق اندر یمن
روز و شب دائم به روی اهل ایمان هست باز
بر هنرهای هنرمندان آن پی می بری
پس نگردي غافل از آن دیدنش دارد بها
مات گردی گـر بینی موزه ی حمام آن
خیره گردی از نسیم و موج شن ها هموطن
گشته از آب روانش پر ز نعمت بوم و بر
از رقیبان پیشی و عزم جدایی می کند
این نشان از نور ایمان دارد و خود باورپرست
کرده روشن چشم دل ها در جهان گردیده سر
هم انار و پسته و انگور و توتش پرغر
بی نظیر و دلپذیر است پخت انواع ترش
با تمام اهل عالم مهربانی می کنند
دیده باشد جایشان از هرگجا و هر کسی

غفار عارف پور

چهارشنبه سوزی !!!

در کشور، ماجرای آتش بازی داریم که از چند روز مانده به آخرین چهارشنبه سال شروع می شود و در شب آخرین چهارشنبه سال به اوج خود می رسد که در خلال این آتش بازی ها و مخصوصا پرتاب و انفجار ترقه ها افراد زیادی مخصوصا کودکان دچار سوختگی می شوند شیرینی تعطیلات به کام آن ها و اعضای خانواده شان تلخ می شود، در حالی که این حوادث قابل پیشگیری می باشد، اکنون که داریم به این ایامی که برای خانواده ها با بیم و نگرانی همراه است نزدیک می شویم ، خدا می داند امسال چند چشم زیبا بسته خواهد شد، چند صورت زیبا خواهد سوخت ، بیابیم با همکاری و همدلی ، از هر راهی که می توانیم از وقوع اینگونه حوادث تلخ و ناگوار جلوگیری کنیم.



۸ نکته ساده برای این که در جاده ها کشته نشویم

- ۱- اساسا به خودرو اعتماد نکنیم، حتی اگر بهترین خودرو را سوار هستیم. مگر ماهیت خودرو چیست: تکه های آهن که روی چهار تکه لاستیک پُر باد، قرار گرفته اند. این ماهیت هرگز قابل اعتماد نیست ؛ انقدر غیرقابل اعتماد که تا کنون بسیاری از سرنشینانش را کشته است. کمی به این موضوع فکر کنیم.
- غیر قابل اعتمادترین بخش خودرو هم، ترمز آن است که در سرعت های بالای ۹۰، کارایی آن به شدت پایین می آید به طوری که طبق بررسی ها، بسته به نوع خودرو و وضعیت جاده، تا ۶۶ متر بعد از ترمز گرفتن، خودرو همچنان حرکت می کند.
- ۲ - با احتیاط و طمأنینه رانندگی کردن، نشانه انسان های متشخص است. جمله من فلان جاده را در زمان اندکی پیمودم نه هنر است و نه نشانه دست فرمان خوب بلکه می تواند نشانه بی توجهی به جان خود و دیگران باشد، یک بی خردی به تمام معنادر سفر ، خود مسیر نیز جزو سفر است و نه فقط مقصد. با سرعتی کمتر از سرعت مجاز برانیم.
- ۳ - خط ممتد وسط جاده را کارشناسان راه که تخصص شان این است، بعد از بررسی های فنی در برخی نقاط جاده ترسیم کرده اند و معنایش این است که به دلیل پیچ یا سربالایی جاده، دید شما محدود است و هر لحظه ممکن است خودرویی از روبرو ظاهر شود و قبل از هر واکنشی تصادف رخ به رخ اتفاق بیفتد. از خط ممتد عبور نکنیم و سبقت غیرمجاز نگیریم.
- ۴ موقع خواب آلودگی رانندگی نکنیم. خواب از همه ما قوی تر است و شگرتش این است که در یک لحظه که فکرش را نمی کنیم، غافلگیرمان می کند. کمی استراحت در جای امنی در کنار جاده، بهترین حریف خواب آلودگی است.
- وظیفه حیاتی سرنشینان نیز مراقبت از راننده است که خوابش نبرد. لاقال یک نفر باید علاوه بر راننده در داخل خودرو، بیدار باشد .
- ۵- ابلهانه ترین کار، کورس گذاشتن و کل کل کردن در جاده است. بگذاریم از ما سبقت بگیرند و بروند، جاده که ملک شخصی ما نیست. راحت باشیم و بخندیم
- ۶ - به محدوده ۳۰ کیلومتری شهرها که می رسم یادمأن باشد که ۶۲ درصد همه تصادفات در این محدوده رخ داده است. در محدوده ۶۲-۳۰ با دقت و وسواس بیشتری برانیم.
- ۷ - بسیاری از تصادفات بر اثر بگومگوهای خانوادگی در داخل خودرو صورت گرفته است. حفظ آرامش راننده وظیفه حیاتی سرنشینان است.
- ۸ - کمر بند ایمنی تا کنون جان هزاران نفر را نجات داده است. حتماً به سرنشینان صندلی عقب هم توصیه کنیم کمر بندهای ایمنی را ببندند. آنها هم بعد از تصادف حق زندگی دارند
- یادمان باشد که حادثه فقط برای دیگران نیست. احتیاط نکنیم، بی هیچ تعارفی سراغ ما هم می آید. کاری کنیم که بعد از عید هم دور هم باشیم.

لطی فیه

اولی: از ماشینی که خسریدی راضی هستی؟
دومی: خودم نه ولی مکانیک سر کوچه خیلی راضیه

یکی به پسرش می گه: هیچ می دونی ناپلئون وقتی سن تو بود شاگرد اول کلاسش بود؟
پسر به پدر جواب می ده: پدرجان هیچ می دونی که ناپلئون وقتی سن شما بود امپراطور بود؟

به شخصی گفتند: با این شرح برای پسرش نوشت:
ایا هابیل با بیل قابل را کشت یا قابل با بیل ، هابیل را کشت؟

مرغی عکس تخم مرغی را قاب کرده و به دیوار زده بود. دوستش پرسید: این چیه ؟مرغ گفت این عکس بچگیمه!

معلم به حسن گفت: آخر تو چرا اینقدر تنبل هستی، مگر تو از غلامحسن که همیشه شاگرد اول است چه کم داری؟ حسن گفت: خوب این که معلومه، یک غلام.

مرد خسیسی نامه ای به این شرح برای پسرش نوشت:
فرزند عزیزم، نامه ات رسید. نوشته بودی ۱۰۰۰۰ تومان پول لازم دارم. پولی را که خواسته بودی برایت فرستادم ، ولی تعجب می کنم از فرد تحصیل کرده ای مانند تو که نمی داند هزار سه صفر دارد نه پنج صفر

روزی ملا نصرالدین دسته غازی بر لب آبی نشسته دید. دويد که یکی از آن ها را بدست آورد همه پرواز کردند. ملا لقمه نانی بیرون آورد در آب فرو کرده خورد و گفت: اگر به گوشت نرسیدم از آبگوشت محروم نشدم.

یارو می ره زیر غلطک، به نفر میره خبر مرگش رو به خانوادش بده. میره در خونهشون به پسر یارو می گه: بابات چه جوری بود؟ پسر میگه: دراز و باریک. طرف می گه: حالا دیگه صاف و پهنه!!

معلم سه چیز را نام ببر که از شیر گرفته شوند.
تقی: ماست، پنیر و داداشم! معلم: داداش دیگه برای چها تقی! چون سه روز پیش مادرم از شیر گرفتش.

به خسیسی به پسرش نصیحت می کند و می گوید:
اگر سر به زیر راه بروی سه خوبی دارداول اینکه همه می گویند چه پسر آقاییه دوم هیچ وقت یقه پیراهنت کثیف نمیشه. سوم اگه پولی رو زمین افتاده باشه اول تو پیدا می کنی.

معلم: سعید! اگر بچه ای نه «کم رو» نه «پررو» باشه چه ناامیده میشه؟ سعید: «نیمرو»

از عکس های نوروزی خودتان
یکی را انتخاب کرده ، از طریق
تلگرام برای ما بفرستید،
عکسی که برگزیده شود در
نشریه چاپ و معرفی می
گردد، شاید جایزه هم در کار
باشد !!!



برای حروف الفبا پاپوش
دوخته اند که مرا قربانی
کنند، باور کنید هیچ جای
من سین ندارد



ماهی قرمز

شش روز متفاوت دیگر در چهارمین جشنواره نوروزی پاتوق

به گزارش روابط عمومی جشنواره نوروزی پاتوق، چهارمین دوره از این جشنواره سوم فروردین ۹۶ آغاز بکار خواهد کرد و با شش روز کاری متفاوت پذیرای اهالی محترم، ساکنین منطقه رستاق و میهمانان نوروزی خواهد بود.
جشنواره نوروزی پاتوق که با شعار ترویج علم، فرهنگ و هنر در سایه صفا، صمیمیت و همدلی چند سالی است که کار خود را شروع کرده است، در ایام نوروز ۹۶ قصد دارد تا چهارمین دوره از جشنواره خود را به مدت ۶ روز با اهداف افزایش مشارکت و آگاهی عموم و معرفی جلوه های مردم شناسی ششمی برگزار کند.
پاتوق توانسته است در دوره های گذشته با تکیه بر همت و پشتکار تمامی اهالی روستا خصوصا جوانان و نوجوانان پرشور و نشاط روستای ششمی، نوروزی به یادماندنی را در خاطر بازدیدکنندگان این جشنواره رقم بزند. پاتوق در دوره های گذشته با فعالیت در بخش های مختلف فرهنگی و اجتماعی از جمله فعالیت های دانش آموزی، آموزش مهارت های زندگی، فعالیت های هنری، مسابقات ورزشی، موزه مردم شناسی، گرامیداشت فرهنگ ایثار و شهادت و ایده های ناب در ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی موفق عمل نماید و در نوروز ۹۶ به عنوان طرح برتر فرهنگی استان یزد شناخته شود. آن چنان که به عنوان یک برند فرهنگی استان شناخته می شود.

به گزارش روابط عمومی این جشنواره، امسال نیز برنامه های متفاوتی برای شش روز کاری متفاوت، سوم تا هشتم فروردین ۹۶، در محل مجموعه فرهنگی حاج حسن صفی ششمی در نظر گرفته شده است که در زمان مناسب از طریق شبکه های اجتماعی و... اطلاع رسانی خواهد شد.

روابط عمومی جشنواره نوروزی پاتوق، ضمن تشکر از تمامی عزیزانی که در به ثمر نشستن فرهنگ همدلی و صمیمیت تلاش می کنند، از اهالی محترم استان یزد و تمامی مسافران نوروزی دعوت به عمل می آورد تا با حضور در جشنواره پویای نوروزی، از بخش های مختلف جشنواره بازدید نمایند

بازی محلی اتولوک بازی

در اشکذر یکی از بازی های بچه ها در قدیم «اتولوک بازی» بوده که می توان آن را «رینگ و اتولوک بازی» (Raing-o-otoloc Bazi) هم گفت. این بازی که چرخاندن انواع و اقسام رینگ و مخصوصا لاستیک دوچرخه و انواع وسایل نقلیه با دست و احیاناً چوب و ترکه ای می باشد چند سال است به همت یکی از علاقه مندان آن ، در زمینی در مجاورت حسینیه سفید اشکذر برگزار می گردد، دارای هیچ گونه محدودیت سنی نیست و مناسب حال همه است، به اصطلاح شیر تا پیر، زن و مرد و بزرگ و کوچک ، اگر در ایام نوروز فرصت داشتید سری بزنید و یک تفریح متفاوت با سرگرمی های امروزی را تجربه کنید، اگر سن و سالتان از نیم قرن گذشته باشد چه بسا که خاطرات لذت بخشی نیز برایتان تجدید شود. بد نیست...



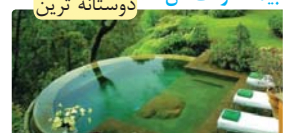


پدر و مادر



خانما که در آن پدر وجود داشته باشد ۴۰ برابر امن تر از خانه ایست که درش ۴۰ تا قفل دارد. خانه ای که مادر باشد چهل برابر راحت تر از هتلی ست که چهل تا خدمه دارد پدر یعنی امنیت مادر یعنی آرامش

خدا یا امنیت و آرامش تمام خانه را بیمه خودت کن.



سست ترین کلمه «شانس» است... به امید آن نباش. محکم ترین کلمه «پشتکار» است... آن را داشته باش. سالم ترین کلمه «سلامتی» است... به آن اهمیت بده. شایع ترین کلمه «شهرت» است... دنبالش نرو. ضروری ترین کلمه «تفاهم» است... آن را ایجاد کن. دوستانه ترین کلمه «فاقت» است... از آن سواستفاده نکن. اصلی ترین کلمه «طمینان» است... به آن اعتماد کن. ضعیف ترین کلمه «حسرت» است... آن را نخور

مرد ثروتمند



مرد ثروتمند بدون فرزندی بود که به پایان زندگی اش رسیده بود، کاغذ و قلمی برداشت تا وصیتنامه خود را بنویسد: (تمام اموال را برای خواهرم می گذارم نه برای برادر زاده ام هرگز به خیاط هیچ برای فقیران) اما اجل به او فرصت نداد تا نوشته اش را کامل کند و آنرا نقطه گذاری کند. پس تکلیف آن همه ثروت چه می شد؟؟؟

برادر زاده او تصمیم گرفت... آن را اینگونه تغییر دهد:

«تمام اموال را برای خواهرم می گذارم؟ نه! برای برادر زاده ام، هرگز به خیاط... هیچ برای فقیران...»

«تمام اموال را برای خواهرم می گذارم؟ نه. برای برادر زاده ام؟ هرگز، به خیاط... هیچ برای فقیران...»

پس از شنیدن این ماجرا فقیران شهر جمع شدند تا نظر خود را اعلام کنند:

«تمام اموال را برای خواهرم می گذارم؟ نه. برای برادر زاده ام؟ هرگز، به خیاط؟ هیچ برای فقیران...»

نکته اخلاقی:

به واقع زندگی نیز این چنین است: او نسخه ای از هستی و زندگی به ما می دهد که در آن هیچ نقطه و ویرگولی نیست و ما باید به روش خودمان آن را نقطه گذاری کنیم. از زمان تولد تا مرگ تمام نقطه گذاریها دست ماست

خدا یا



دعایی زیبا از بابا طاهر:
خدا یا دانشی ده؛ غم نگیرم، بده آرامشی؛ ماتم نگیرم، خدا یا شهادت بی نصیبم، شهادت ده که آرامش بگیرم، خدا یا؛ این تفاوت بر من آموز، که در گمراهی مطلق نمیرم،

نقص فرهنگی



ما ایرانی هستیم بیابید نقص های فرهنگیمان را با هم ریشه کن کنیم...

پس از این پس هرگز

«از بچه ها نپرسیم پدرت را بیشتر دوست داری یا مادرت؟»

«از بچه های فامیل راجع به معدل درسیشان نپرسیم»

«سرزده به خانه کسی نرویم»

«راجع به متر از و قیمت خانه صاحبخانه از او سوال نپرسیم راجع به قد و وزن و سن شخص و مسایل شخصی آنها مثل ایا نماز میخوانید ایا

روزه اید سوال نپرسید.

«وقتی برایمان مهمان می آید تلویزیون را خاموش نکنیم»

«از عروس و داماد خود به فرزند نامان بدگویی نکنیم»

«وقتی پدر یا مادری فرزندش را تنبیه کرده جلوی بچه طرفداری بچه را نکنیم»

«در تربیت فرزند دیگران حتی نوه هایمان هیچ دخالتی نکنیم»

«هرگاه برای تولد بچه ای کادو میبرید اگر خواهر، برادری دارد حتما برای آنها هم چیزی ببرید»

«هدایایی را که برای ما مناسب نبودند به دیگران هدیه نکنیم»

«بدون اجازه همسایه مهمانی با صدای موزیک بلند در منزل نگیریم»

«در مکان های عمومی اگر فرد سالمندی ایستاده شمانشینید»

«در مترو و اتوبوس به افراد زل نزنید»

«موقع رانندگی داخل ماشین بغلی را نگاه نکنید»

«وقتی چراغ سبز میشود با بوق اعلان نکنید»

«به رانندگی خانوما خرده نگیرید»

«وقتی پیاده راه میروید اخم نکنید»

«راجع به ظاهر کسی قضاوت نکنید»

«به آرامی غذا بخورید مخصوصا وقتی مهمان هستید بیشتر از کنار هم غذا خوردن لذت ببرید تا خود غذا»

«باران که می آید کنار پیاده رو ها آهسته برانیم هنگام برف شاخه درختان جلو خانه را نگاه دهیم»

«به رستورانهای فست فود که میروید خودتان ظرف غذایتان را داخل سطل بیندازید»

«همیشه زباله های خود را تفکیک کنید»

«همیشه در پله برقی ها در سمت راست بایستید و سمت چپ را همیشه برای مردمی که عجله دارند خالی بگذارید»

«در متروها و اتوبوسها بدانیم حق تقدم با کسانی هست که قصد پیاده شدن دارند سپس افرادی

که سوار میشوند»

«تمام وقتتان را صرف سریالهای بی سروته ترکی نکنید به ورزش و مطالعه و یادیدن فیلم های روز سینما بپردازید»

«پولهای شما برای بانک های شهر نیستند بیشتر خرج خودتان کنید و تا جایی که امکان دارد به مسافرت بروید»

«اگر متاهل هستید هرگز بدون اطلاع همسرتان به جایی نروید همیشه او را در جریان بگذارید»

«همیشه حلقه ازدواج در دستتان باشد اگر کوچک شده در اسرع وقت سایز آنرا درست کنید و به دست کنید»

«همیشه با توجه به محیط پوشش خود را تعیین کنید در خیابانها و مکان های عمومی نیازی به آرایش زیاد نیست»

«در محیط کار لباس رسمی بپوشید و هرگز صندل راحتی به پا نکنید یا صندل تابستانه با جوراب نپوشید»

«هرگز بدون ادکلن به سر کار نروید مخصوصا اگر شغل شما طوریتست که با ارباب رجوع زیاد سروکار دارید»

«هر سال به دندانپزشکی بروید اگر سالی یک دندان خراب را هم درست کنید دندانهایتان همیشه سالم میمانند»

«به افراد بیمار یا معتاد یا اقلیت ها به چشم یک انسان عادی نگاه کنید و با آنها رفتار عادی و محترمانه داشته باشید»

«خرافاتی از قبیل چشم شور و دست خوب و بد و از این قبیل را دور ببرید و مانند انسانهای به روز و محترم تفکر داشته باشید»

«هرگز کشور خود را با تمام کاستی هایش مسخره نکنید و اجازه ندهید دیگران نیز حرمت شکنی کنند»

«برای دعا کردن از زبان عادی و خودمانی استفاده کنید نیاز نیست زیاد آن را پیچیده کنید»

در خانه تکانی نوروز مواظب سر خوردن چهارپایه و نردبان باشید



اندکی تامل



یکی از استادان دانشگاهی در آفریقای جنوبی برای دانشجویان دوره کارشناسی و

کارشناسی ارشد مطلبی بر سر در ورودی دانشکده نصب کرده بود با این عنوان:

برای نابودی یک ملت نیازی به بمب هسته ای یا موشکهای دور برد نیست. فقط کافیسست سطح و کیفیت آموزش را پایین آورد و اجازه تقلب را به دانش آموزان داد !!

مربی؛ به دست پزشکی که بتواند تقلب کند خواهد مرد !!

خانه ها؛ بدست مهندسی که موفق به تقلب شده ویران خواهند شد!!

منابع مالی؛ را بدست حسابداری که موفق به تقلب شده از دست خواهیم داد!!

انسانیت؛ بدست عالم دینی که موفق به تقلب شده می میرد !!

عدالت؛ بدست قاضی که موفق به تقلب شده ضایع می شود !!

جهل؛ در کله فرزندانمان که موفق به تقلب شده فرو می رود !!

سقوط آموزش = سقوط ملت

هاشمی

درب و پنجره دوجداره

- تولید کننده انواع درب و پنجره دوجداره
- با جدیدترین پروفیل های نرمال و ترمال
- و بروزترین یراق آلات تضمینی

آدرس دفتر: اشکذر / خیابان شهید صدوقی

تلفن: ۰۶۱ ۲۵۲ ۹۱۳ فاکس: ۵۵۵۱ ۷۲ ۳۲

طومار مردم اشکذر برای ارسال به رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

عده کثیری از مردم شهرستان اشکذر در حال امضاء کردن طوماری هستند که پس از تکمیل به خانم ابتکار معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست کشور ارسال



خواهد شد در بند اول این طومار آمده است: «با آرزوی سلامتی و توفیق الهی برای سرکار عالی و همه خدمتگزاران صدیق نظام مقدس جمهوری اسلامی به‌ویژه مقام معظم رهبری؛ اینجانبان جمعی از اهالی شهرستان اشکذر یزد شامل: شهر اشکذر، دهستان رستاق و بخش خضرآباد هستیم که به دارالمؤمنین شهرت دارد و امروز در حسرت «هوای پاک و آب سالم» مانده‌ایم و فریاد اعتراضمان در سال‌های اخیر مانع از احداث بی‌رویه واحدهای آلاینده و پرآب خواه نشده است که هیچ، بلکه دست‌های پیدا و ناپیدا با توسعه واحدهای آلاینده و صنعت فولاد، هر روز عرصه را برای زندگی و حیات هرچند معمولی مردم تنگ ترمی‌کنند.» در قسمت دیگری از این طومار می‌خوانیم: «متأسفانه در سال‌های اخیر، اعتراض ائمه جمعه و جماعات این شهرستان، درخواست‌ها و طومارهای مردمی، تلاش‌های سایت‌ها و نشریات محلی و پیگیری برخی از مسئولان، هیچ اثری در جهت نصب تجهیزات زیست محیطی و رعایت حداقل استانداردها و تکنولوژی لازم برای مقابله با آلودگی را نداشته و حتی راهکارهای جبران، مانند توسعه فضای سبز و صرف بخشی از درآمد پروژه‌های ملی برای کاهش عوارض آلاینده‌های محیطی نیز در دستور کار متولیان امر قرار نداشته و اجرا نشده است.»

در بند پایانی این طومار آمده است: «استدعای عاجزانه ما، جلوگیری از احداث و توسعه واحدهای فولاد با عنوان شهرک صنعتی فولاد و به‌ویژه جلوگیری عاجل و توقف کامل اجرای طرح فولاد «یزد یک» و رعایت کامل استانداردهای جهانی برای صنایع موجود و تذکر به مسئولانی است که خواسته یا ناخواسته، عرصه زندگی را بر مردم نجیب، مومن و شهید پرور این شهرستان و هم چنین دیگر مردم استان یزد تنگ نموده‌اند می‌باشد.

آلودگی محیط زیست اشکذر دیگر کم کم دارد به مساله اصلی تبدیل می‌شود و افراد و گروه‌های اجتماعی به هر نحو این مهم را متذکر می‌شوند. یک مورد آن طرحی بود جالب که به سرعت در فضای مجازی چرخید و به رسانه ملی هم رسید و سیمای یزد در یکی از برنامه‌های خود با نشان دادن این تصویر در مورد انگیزه طراح هنرمند آن توضیح داد.



اهمیت ایمنی در کودکان

همه دوست دارند که زندگی و رشد کودکان با ایمنی و آرامش همراه باشد، ولی حوادث همیشه در کمین هستند. این حوادث تقریباً همیشه بر اثر کوتاهی و یا بی‌مبالاتی ما بزرگترها اتفاق می‌افتد ولی پیامدهای آن یعنی درد و رنج و معلولیت‌گیرندگان کودکان بی‌گناه می‌شود. حوادث کوچک و ساده جزئی از دنیای کودکان است که نه تنها مهم بلکه آموزنده نیز به شمار می‌آیند. اما آنچه باید از آن پیشگیری شود، حوادث شدیدی هستند که باعث به وجود آمدن صدمات جدی و حتی مرگ دلخراش کودکان می‌شود.

هر ۲ روز یک کودک بر اثر بی‌احتیاطی در جهان تلف می‌شود. حوادث و سوانح غیرعمدی بعد از ناهنجاری‌های مادرزادی و کروموزومی دومین علت مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را در کشور به خود اختصاص می‌دهد.

اندام کوچک کودکان، خطر را در محیط راه برایشان بیشتر می‌کند چون رانندگان، کودکان کوچک را کمتر می‌بینند و خودشان هم سرعت و صدای خودرویی که به سویشان می‌آید، کمتر درک می‌کنند به همین دلیل اگر با خودرویی برخورد کنند، بیشتر از بزرگسالان دچار صدمه سر و گردن می‌شوند. پوست کودکان به درجه حرارت حساس‌تر است و در مقایسه با بزرگ‌ترها سریع‌تر و عمیق‌تر دچار سوختگی می‌شوند. کودکان به دلیل راه تنفسی باریک‌تر، بیشتر احتمال دارد دچار خفگی شوند.

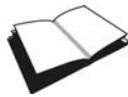
ما باید چه رفتاری داشته باشیم تا از حوادث برای کودکانمان دور باشیم؟ یادتان باشد حادثه به همه نزدیک است.

بی بی زهرا خانقایی، کارشناس بهداشت خانواده، مرکز بهداشت شهرستان اشکذر



عکس قدیمی
حدود ۹۰ سال پیش

چاپ کتاب مروری بر رفتارهای پسندیده و اصول شهروندی توسط شهرداری اشکذر



بهره‌بردارهای فرهنگی و اجتماعی این کتاب در اختیار همه اقشار شهروندان دیار مهربانی اشکذر قرار خواهد گرفت.

این مقام مسئول اظهار داشت: کسانی که تمایل به دریافت این کتاب دارند می‌توانند با ارسال مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، آدرس) در قالب یک پیام کوتاه به شماره ۰۹۲۲۶۲۱۵۵۷۴ این کتاب را به صورت رایگان دریافت کنند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری اشکذر، مهدی جعفری پور با بیان این مطلب اظهار داشت: تقویت بعد اجتماعی نسل آینده از طریق آموزش اصول شهروندی و شهروندی به نونهالان، کودکان و نوجوانان و انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی به اقشار مختلف جامعه به ویژه کودکان از جمله مهمترین اهداف کیفی در برنامه‌های آموزش شهروندی است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

وی افزود: یکی از تازه‌ترین مفاهیمی که امروزه در مباحث مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل متنوع و پیچیده شهرها باشد، موضوع مشارکت شهروندان در تدبیر امور شهرها یا مدیریت مشارکتی است. شهردار اشکذر آشنایی شهروندان با مسائل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع محل زیست آن‌ها، آشنایی شهروندان با مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی آن‌ها در قبال شهر و محل زندگی خود را از موضوعات مهم این کتاب دانست و افزود: برای

پیام تبریک شهردار اشکذر به مناسبت عید نوروز

می‌گوییم. از حق تعالی می‌خواهیم تا قلب‌های همه ما را با نور خود منور و قلوبمان را از همه زشتی‌ها بزداید و آن را جایگاه زیبایی‌ها، کرم و احساس و نیکی به یکدیگر نماید. مهدی جعفری پور اشکذری، شهردار اشکذر



جمهوری اسلامی به کار بگیریم و با تعامل، صمیمیت و همکاری تمامی دلسوزان، دستاورد‌های گسترده و بزرگی برای شهرمان حاصل گردد.

به نیابت از خود و سایر همکارانم در مجموعه شهرداری اشکذر، مقدم بهار و سال نو را پیشاپیش به تمام هموطنان عزیز که حامی و پشتیبان تلاش‌های مسئولین بوده‌اند، تبریک

فراموش نمی‌کند. اینک در آستانه آغاز سال ۱۳۹۶ هجری شمسی با استعانت از درگاه خداوند قادر و متعال و ارواح پاک و مطهر شهیدان همیشه سرافرازمان و بهره‌گیری از منویات مقام معظم رهبری و تلاش دولت تدبیر و امید و دیگر مسئولان نظام، همه تلاش‌های خویش را با استفاده از روحیه جهادی برای ارتقاء سطح رضایتمندی مردم و خدمت صادقانه به نظام مقدس

بهار از راه رسید تا سراسر آغازی باشد برای همگرایی، گره‌گشایی و مهرورزی. بهار یکی از باشکوه‌ترین جلوه‌های خدا در جهان هستی است، تحول در عالم طبیعت در آغاز سال فرصتی است برای تحول درونی انسان‌ها، سال نو و کار و تلاش در سال جدید را با نام و یاد خدای یگانه‌ای آغاز می‌کنیم که او آفریدگار همه هستی و جهان بشریت است و هیچ‌گاه بندگان را



بیمه آتش سوزی کلیه واحد‌های مسکونی سطح شهر اشکذر

قیال شهروندان نیز اقدام نموده است. طبق این بیمه نامه هر حادثه‌ای در سطح شهر رخ دهد و شهرداری مسئول آن شناخته شود، شرکت بیمه مسئولیت جبران خسارت وارده را عهده دار می‌باشد. این مقام مسئول ابراز امیدواری کرد گام ارزشمند شهرداری و شورای اسلامی اشکذر و شرکت بیمه سبب تشویق شهروندان برای تکمیل سرمایه و برخورداری از پوشش کامل بیمه‌ای اعم از زلزله، سیل و ضایعات ناشی از باران و برف شود.

بر ۲۸۰ میلیون ریال در مناطق مختلف شهر اشکذر اقدام نموده است که این بیمه تا سقف ۴۰۰ میلیون ریال خسارت ساختمان و ۴۰۰ میلیون ریال خسارت اثاثیه منزل را در صورت بروز حادثه متقبل می‌شود و شهروندان می‌توانند در صورت بروز حادثه به شهرداری مراجعه و جهت اخذ مبلغ خسارت بیمه اقدام نمایند. وی با بیان اینکه شهرداری نسبت به عقد قرارداد بیمه مسئولیت مدنی جامع شهرداری با هزینه‌ای بالغ بر ۷۰ میلیون ریال در

ورسک پذیری در جهت توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه پویا و مترقی شناخته شده است. شهردار اشکذر از آغاز طرح جامع رفاه شهروندی به منظور ارتقای فرهنگ بیمه‌ای در این شهر خبر داد و اظهار داشت: با توجه به اینکه اکثر منازل مسکونی شهر اشکذر بیمه آتش سوزی نداشتند و هنگام حادثه متحمل خسارت و هزینه‌های زیاد می‌شدند، شهرداری نسبت به بیمه آتش سوزی ۵ هزار واحد مسکونی با هزینه‌ای بالغ



به گزارش روابط عمومی شهرداری اشکذر، مهدی جعفری پور با تأکید بر اینکه انسان امروز نیازمند پشتوانه‌ای مطمئن و همیشگی است تا بتواند با آثار زیان بار حوادث و بلایای طبیعی مقابله کرده و خسارت‌های به وجود آمده را جبران نماید، افزود: بیمه به عنوان حامی و پشتوانه در امر سرمایه‌گذاری

طرح شهرداری جهت نظارت شهروندان بر نحوه نظافت معابر سطح شهر

شهرداری اشکذر در نظر دارد در طرح «نظارت شهروندان بر نحوه نظافت معابر سطح شهر» پس از نظافت کوچه و معابر توسط نیروهای خدمات، ساکنین محل با امضای فرم ارائه شده به آن‌ها، نحوه نظافت انجام شده و نظرات خود را ارائه دهند و در صورت عدم رضایت از نحوه نظافت علت آن را به صورت مکتوب ذکر نمایند.

ضمناً تلفن ۰۹۱۳۹۶۷۲۴۷۷ نیز جهت برقراری ارتباط شهروندان با واحد خدمات شهری در نظر گرفته شده است که این درخواست‌ها بدین طریق قابل پیگیری می‌باشد.

یادم باشد هر پس‌متحد ای‌که من زمین می‌اندازم قلمت یگ نفر را خم می‌کند.



روابط عمومی شهرداری اشکذر

ارتباط با شهرداری اشکذر

با انتقادات و پیشنهادات خود ما را در بهبود ارائه خدمات یاری‌رسانید.

www.ashkezar.ir

@shahrdariashkezar

۳۰۰۵۲۱۲۱۱۱

وبسایت

کاتال تلگرام

سامانه پیام کوتاه

نام نیکو گر بماند ز آدمی به گزو ماند سرای زرنگار



شاهروان محمدحسین کلاترانی



حاج فضل ا. شکاری



حجت الاسلام غلامرضا ذاکری



صادق دهقانی اشکذری



علی محمد جعفری

همت والا و مشارکت ارزشمند خیرین دیارمان در پروژه‌های عمرانی شهرداری اشکذر را ارج می‌نهم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

حمیدرضا کمالیان
دادورز اجرای احکام حقوقی دادگستری شهرستان اشکذر

حمیدرضا کمالیان
دادورز اجرای احکام حقوقی دادگستری شهرستان اشکذر

حمیدرضا کمالیان
دادورز اجرای احکام حقوقی دادگستری شهرستان اشکذر

مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان اشکذر

رئیس شورای حل اختلاف حوزه ی یک شهری شهرستان اشکذر
سید محمد میر باقری

آگهی ثبتی به شماره مکانیزه ۱۳۹۵۳۰۴۲۱۶۵۰۰۰۰۴۳۱

آگہ ثبتہ به شماره مكاتبه ۱۳۹۵۳۰۴۲۱۶۵۰۰۰۰۴۳۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان یزد
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری اشکذر

دُنس، شورای، حل، اختلاف، حوزه، یک، شهر، شهر، استان، اشکذر

معرفی

اینجانب علی اکبر دهقانی اشکذری هستم فرزند غلامحسین فرزند قاسم فرزند حسین فرزند ملا ابوالقاسم، یعنی من نبیره ملا ابوالقاسم هستم. روی این حساب که الان من ۷۸ سال دارم. ملا ابوالقاسم حدود ۲۰۰ سال پیش در اشکذر زندگی می کرده است، واقعا هم ملا بوده، عبا و قبا و عمامه داشته، پیشنماز بوده و برای مردم مسئله و احکام شرعی می گفته، طوری که من شنیدم در نجف درس خوانده و مورد احترام و وثوق علمای بزرگ بوده است، پدر من غلامحسین بود ولی من در اشکذر از قدیم به علی اکبر قاسم معروف شده ام در حالی که قاسم پدر بزرگ من بوده است.

من ۱۴ سال داشتم که پدرم فوت کرد. یک خواهر بزرگتر و یک خواهر کوچکتر (۳ ساله) داشتم و مادرم هم حامله بود که چند ماه بعد از فوت پدرم خواهر سومم متولد شد و ما شدیم یک برادر و سه خواهر، و من در همان ۱۴ سالگی شدم مرد خانه ی خودمان ۲۶ سال داشتم که می خواستم ازدواج کنم. اختیار دست مادرم بود. در آن زمان کلا بچه ها در ازدواج تصمیم گیرنده نبودند. مادرم گفت برایت دختر علی آسیابان (جعفری نسب) در نظر گرفته ام. باغ رفته بوده از این طرف بر می گشته، دیده ام و برایت پسند کرده ام. مسیر باغشان از جلوی خانه ما رد می شد. من هم گفتم هرطور شما بگویید البته حاجی علی و خانواده شان را می شناختم و می دانستم خیلی متشرع و مذهبی هستند و به همین خاطر با وصلت با این خانواده موافق بودم و این شد که با این حاجی خانم که آنطرف نشسته اند ازدواج کردم. حالا ۵۱ سال از زندگی مشترکمان گذشته است. ۱۰ فرزند، ۶ دختر و ۴ پسر، ۲۶ نوه (۱۵ پسر، ۱۱ دختر) و دو تا نتیجه داریم. بچه هایمان درس خوانده اند. سر کار و خانه و زندگی خودشان هستند.

تحصیلات

من قرآن را از مادر یاد گرفتم، بعد مدرسه آورده بودند در یک خانه کنار حسینیه آب (نزدیک مسجد حاجی غلام). چند روزی رفتم. معلم ما زردشتی بود. پدرم گفت نمی خواهم بروی پیش معلم زردشتی درس بخوانی. به قول امروزی ها ترک تحصیل کردم و پیش خودش کتاب هایی مثل خزائن الاشعار، مخزن الاشعار، مفاتیح الجنان و از این قبیل می آموختم. البته من خواندن

را خیلی خوب یاد گرفته بودم ولی نوشتن برایم مشکل بود. بعد از چند سال، دوباره به مدرسه رفتم ولی دیگر بچه مدرسه ای نبودم. کلاس اکابر بود. هم شاگردی هایم، کسانی که یادم هست، آغا حسن عرب، محمد راسته، میزا آغا جواد سمیعی، سید عباس طباطبایی، سیدحسین میردهقان (طباطبایی)، احمد علی دهقانی، و محمد حسن مسکر بودند، معلم ما آقای اخوان تفتی بود. معلم بسیار خوبی بود. خیلی تلاش می کرد ما خواندن و نوشتن مخصوصا املا را خوب یاد بگیریم. یک کاغذ سوراخ کرده بود می گذاشت روی خط کتاب که یک کلمه اش پیدا بود، کلمات را طوری ادا می کرد که ما می فهمیدیم یا بد «س» یا «ث» یا «ص» بنویسیم.

پدرم خیلی علاقه داشت من درس طلبگی بخوانم ۳ ماه پیش شیخ علی فرقانی می رفتم کتاب نصب الصبایان که لغت نامه عربی-فارسی بود که به شعر نوشته شده بود می خواندم بعد هم من را به یزد به مدرسه حاجی عبد الرحیم خان برد حجره برایم گرفت ۵ ماه درس خواندم پدرم فوت کردم و نتوانستم ادامه بدهم.

خاطره اولین نوحه خوانی

۵ ساله بودم. پدرم هم نوحه خوان بود. هفته خوانی در بعضی خانه ها برگزار می شد. من را روی کرسی گذاشتند. نوحه ای که حفظ کرده بودم را بخوانم ولی وقتی بالای کرسی رفتم هول کردم و نوحه یادم رفت. پدرم متوجه شد و اول نوحه را خواند و به یادم آورد و اولین نوحه ام را خواندم. یادم هست نوحه این بود:

«اکبرای شبه پیغمبر من

اکبرای نور چشم تر من

اکبرای نوگل احمر من

نوجوان، اکبر ای اکبر من

نوجوان مرگم ای اکبر من»

(جواب)

مردی آخر به فصل جوانی، بعد

مرگت در این دار فانی

من نخواهم دگر زندگانی

نوجوان، اکبر ای اکبر من

نوجوان مرگم ای اکبر من

(جواب دادن)

مادرت رنج و زحمت کشیده، رخت

شادی برایت بریده

سال ها تا تو را پروریده

نوجوان، اکبر ای اکبر من

نوجوان مرگم ای اکبر من

(جواب دادن)

بی تو ای یوسف گلغذارم، داغ تو

برده از دل قرارم

روی رفتن به خیمه ندارم

نوجوان، اکبر ای اکبر من
نوجوان مرگم ای اکبر من
(جواب دادن)

ای صبا رو به سوی مدینه، گو به
صغری مه بی قرینه

بی برادر شدی در مدینه

نوجوان، اکبر ای اکبر من

نوجوان مرگم ای اکبر من

(جواب دادن)

شد کفن رخت دامادی تو، قتل و
گه، حجله ی شادی تو

حیف از این قد شمشادی تو

نوجوان، اکبر ای اکبر من

نوجوان مرگم ای اکبر من

(جواب دادن)

این که خواندم همه خیلی خوششان
آمد و بارک... و ماشا... نثارم کردند.

هر جا پدرم به نوحه خوانی می رفت

من هم همراهش می رفتم. یادم

هست همراهش می رفتم حسینیه

توده، تارک بود، بالای کلک آتش

روشن می کردند و هیات باغستان

وارد حسینیه می شد.

سفر پر مشقت

۶۲ سال پیش من ۱۶ سال بیش تر نداشتم. به حساب شرایط خانواده که مرد و بزرگ تر خانه بودم و در معیشت و امرار معاش خانواده مسئولیت به عهده ام بود. شال بافی می کردم که البته یکی از کارهایم بود. شال هم سه رقم بود. شال پشمی، شال مویی و شال ریسمانی یا پنجه ای، وقتی شال که با دستگاه می بافتم تمام می شد می بردیم و از دستگاه جدا می کردیم، شال بافته شده را به حالت توپی (ژل) می پیچیدیم و بعد آن را به اندازه های حساب شده می بُردیم، دو تخته یا سه تخته و یا چهار تخته به هم می دوختیم. در چهار زاویه ی آن بندهایی به طول نیم متر می بافتم که به آن (گیر) می گفتند که وقتی کاه یا علف یا ریسمان و هر چیزی را در شال می گذاشتند، گوشه هایش را که بالا می آوردند این بندها را به صورت ضربدری خیلی محکم به همدیگر گره می زدند. البته از این شال استفاده های دیگری هم می شد در سرمای زمستان روی لحاف می انداختند هوا که سرد می شد پیش آب که می رفتند با خود می بردند مثلی که زنها چادر سر می کنند دور خود می گرفتند گاهی فرش خانه هم بود بیش تر وقت ها شال را به صورت آماده شده برای استفاده در می آوردیم و می فروختیم. گاهی هم به صورت توپی (ژل) می فروختیم. یک روز من می خواستم یکی از این توپی های شال که حدود ۱۵ کیلو وزن

داشت را به یزد ببرم صبح بود که این توپی شال را در خانه روی پشتم گذاشتم و آمدم در بخشداری (جلوی مسجدالرضا) که بخشداری هم آن جا بود، ماشین حاجی میرزا خالقی در آن جا می ایستاد، مسافرها را سوار می کردو می رفت، در هر صورت وقتی من رسیدم کمی دیر شده بود و ماشین حاجی میرزا خالقی حرکت کرده بود، گرچه هنوز خیلی دیر نشده بود، من ماشین را دیدم ولی جا ماندم. هر طور بود باید به یزد می رفتم. به هیچ وجه ماشین یا وسیله دیگری هم در کار نبود. در خانه به مادرم گفته بودم توپ شال را به یزد می برم و می فروشم و پولش را می گیرم نمی خواستم به خانه برگردم. با این پشته ای که داشتم پیاده به یزد رفتم، به یزد که رسیدم نزدیک ظهر بود. توپ شال را در میدان خان به مغازه ی محمد لباف بردم، خیلی خسته شده بودم. ۵

ریال از مغازه داری که توپ شالم در مغازه اش گذاشته بودم گرفتم که بروم ناهار بخورم اول رفتم مسجد ریگ پشت سر حاجی غلامرضا نماز خواندم بعد به دیزی پزی رفتم. اول سه تا نان گرفتم خوردم سیر نشده بودم، دو تا نان دیگر هم گرفتم. ۵ تا نان با دیزی خوردم حالم خیلی بهتر شد بعد رفتم مسجد ملا اسماعیل قدری هم خوابیدم. وقتی بیدار شدم شاید نزدیک به دو ساعت خوابیده بودم بلند شدم رفتم از مغازه دار بقیه ی پول شال را گرفتم، می خواستم در یزد پشم بخرم. به دباغ خانه رفتم، یک پشته پشم خریدم بعد هم نان شهری، پشمک و نخود بو داده خریدم توی پشته گذاشتم ولی مکافات این شد که در برگشتن به اشکذر هم به ماشین نرسیدم و چاره ای نبود غیر از اینکه با همین پشته، پیاده به اشکذر بیایم. راه افتادم حدود انبار غفور (چهارراه مردآباد) که رسیدم شب شده بود. آن جا یک نفر زارچی که سوار اسب بود من را شناخت با پدرم دوست بودند و ما هم همدیگر را می شناختم. آدم خیلی خوبی بود وقتی من را با این وضعیت دید پشته ام را گرفت روی الاغش گذاشت و من هم پیاده پشت سرش می آمدم. تا مزار زارچ پشته ام را آورد و به من داد. خیلی از شب گذشته بود من بیرق های اشکذر را می دیدم و می آمدم تا به اشکذر رسیدم. از آن طرف که مادرم فکر کرده بود من با ماشین رفته ام و با ماشین هم برمی گردم. وقتی دیده بود من نیامده ام رفته بود مسافرهایی آن روز را پیدا کرده

بود همه ی آنها گفته بودند علی اکبر را ندیده ایم. نه در رفتن و نه در برگشتن. اصلا در ماشین نبوده. مادرم خیلی نگران شده بود. طوری که وقتی من به خانه رسیدم هیجان زده شد. خیلی گریه کرده بود انگار که من را گم کرده بود و دوباره پیدا شده بودم. همه پشت و کمرم از پشته ی پشم به خاطر اینکه پشم داغ است و تیرمراه هم بود تاول زده بود. وقتی تاول های پشتم را دید، شما می دانید یک مادر وقتی این وضعیت را ببیند چه حالی پیدا می کند. فوری رفت دنبال نه نه سکینه ام. بعد نه نه سکینه ام آمد با قیچی تاول ها را برید و روی آن ها دارو ی گیاهی و روغن مالید تا حدود ۲۰ روز در خانه خوابیده بودم. مجبور هم بودم به رو بخوابم نمی توانستم پشتم را به زمین بگذارم. هر روز نه نه سکینه ام می آمد روغن به پشتم می مالید.

وضعیت قدیم

اشکذر ۷ نفر گیوه داشتند. وضع مردم همه جا خراب بود بعضی جاها از اشکذر هم بدتر بود مردم همه پا برهنه بودند طوری بود که من از رد پای مردم که روی خاک کوچه می ماند می فهمیدم چه کسی از کوچه رد شده است. کف پاهایشان سفت و ضخیم شده بود طوری که پا روی سوئه خار (خارهای پیچیده) می گذاشتند خارهایی که خیلی هم تیز بود کف پایشان فرو نمی رفت. شب ها در تاریکی رفت و آمد می کردند یا روشنایی شان مهتاب بود نور ستاره ها هم بود مردم وقت و زمان هم از روی ستاره ها می فهمیدند ستاره های صبح و سحر را می شناختند. چراغ برق و لامپ و این ها کجا بود. طوری بود که دم غروب مادرم می گفت اول شام بخوریم. شام که می گویم مثل غذاهای فراوان امروز نبود، ولی نان و نان خورشتی بود شام مان هرچه بود می خوردیم وقتی اذان می گفتند نمازمان را می خواندیم و می خوابیدیم. روشنایی و شب نشینی در کار نبود اول شب، وقت خوابیدن بود. سبکوش آب یک تشت میس داشت. سبوه هم که روی آب تشت می گذاشت میس بود، عملا میس درست کرده بودند که وقتی در تاریکی سبوه پر می شد و ته آب می رفت وقتی به ته تشت می خورد صدا می کرد سبکوش فوراً آن را بیرون می آورد تکان می داد و دوباره برای سبوه بعدی روی تشت آب می گذاشت هر بار سبوه را بر می داشت سه بار تکان می داد که آبی در آن نماند کنار تشت سبوه



داشتند. وقف آتشکده خودشان هم بود. حدود ۱۲۵ جره آب زردشتی ها اجاره ای دست مردم بود. خیلی ها اجاره اش را نمی دادند. یهودی هایی هم بودند که آب اشکذر داشتند، مردمی که آب اجاره ای زردشتی ها دستشان بود خیلی اجاره اش را نمی دادند. زردشتی ها هم زور و قدرتی نداشتند. نمی آمدند طلبکارانه درخواست اجاره کنند. نماینده شان شیخ علی ابوالقاسم بود که اجاره هایشان را جمع می کرد و برایشان می برد ولی چندان کسی اجاره نمی داد خدا رحمت کند حاجی آغای

افضالیان خیلی از این بابت تاسف و ناراحتی داشت. مکرر بالای منبر به مردم می گفت چرا نمی آید اجاره آب زردشتی بدهید. چطور می خواهید از محصول این باغ بخورید ، ولی بعضی ها گوششان بدهکار این حرف ها نیست. در اشکذر آب و ملک وقفی خیلی زیاد است. یکی از موقوفات مهم وقف های علمی هاست و جریانش هم اینطوری بوده که یک ترک تبریزی به نام حاجی علی محمد دختر فلجی داشته که در پی درمان بوده و برای خوب شدنش همه کاری می کرده. یک بار تجارتي به یزد می آورد خبردار می شود که اشکذر یک حسینیة دارد که شفا می دهد. دخترش را برمی دارد و با زرش به اشکذر می آید. به حسینیة سفید، دخترش را به نخل می بندد و متوسل امام حسین (ع) می شود. دخترش شفا می گیرد و خوب می شود. این ترک تبریزی تاجر بزرگی بوده و مال و منال زیادی داشته است به خاطر شغای دخترش به اشکذر علاقه پیدا می کند. آب و ملک خیلی زیادی در اشکذر می خرد و همه را وقف می کند مقدار زیادی از آنها در دو طرف خیابان امام می باشد همان جاهایی که بانک صادرات است (حاجی علی اکبر وقف نامه بلند بالایی را به ما نشان دادند که امیدواریم تصویر و متن آن را متعاقبا در نشریه به چاپ برسانیم). دختر شفا یافته ی حاجی علی محمد تبریزی هم در یزد ازدواج می کند ولی پدرش دوباره به تبریز برمی گردد و زندگی دخترش در یزد بوده و همه علوم ای های یزد نوه ، نتیجه و از نسل دختری حاجی علی محمد تبریزی هستند که تولیت آن موقوفات را هم داشته اند. این جریان متعلق به تقریباً ۱۸۰ سال پیش است. چند سال پیش چند نفر از نوه ، نتیجه هایش هم از تبریز به اشکذر آمدند و به خانه ی ما آمدند و چون من اطلاعات زیادی از موقوفات آن ها داشتم درخواست همکاری داشتند

دوباره می کاشتند آن وقت تنه اش شیرین می شد.

آفات و خطرات

گاهی سرما می آمد درخت ها سرما می زد سرما زدن درخت هم مثل هم نبود . گاهی سرمازدگی به قدری شدید بود که گاهی بایستی درخت ها را روی گل ببرند . یک سال یادم هست حدود هفتاد سال پیش سرمای شدید آمد که هر چه درخت بود خشک شد. خزینه آب انبار به ضخامت حدود ۱/۵ متر یخ زده بود. گاهی سرمازدگی درخت ها ضعیف تر بوده . بعضی شاخه ها را سرما می زده بعضی نمی زده. می گفتند سرما «توبر» کرده . یا پنجه خشک می شد سرمازدگی درخت ها به خاطر سرمایی بود که بعد از نوروز می آمد. یکی از چیزهایی که مانع سرمازدگی می شد، دیوارهای بلند باغ بود، این دیوارهای بلند باغ ها همه اش به خاطر دزد نبوده ، برای جلوگیری از سرمازدگی هم بوده، برای امنیت زن و بچه هم که در باغ بود خوب بود که از چشم نامحرم محفوظ باشند

اذیت و لج بازی شغال ها هم بود. اگر راه شغال را می بستند یک جوری تلافی می کرد. بعضی افراد هم گاهی در دسر درست می کردند. حالا یا روی لج بازی بوده یا مثلاً توقع داشتند برای خوردن توت و زردآلو دعوت شوند که برآورده نمی شد مثلاً خاک تو کلیدون باغ می کردند. صاحب باغ مجبور بود تجه را بکند خاک آن را خالی کند. اصلاً این «خاک توی کلیدون کردن» ضرب المثل شده بود به معنی کسی را به در دسر انداختن یا مثلاً پا تو بلک کسی زدن یا بلک کسی را آب دادن که اذیت کردن صاحب باغ بود . سگ تول هم که پدرش سگ و مادرش شغال است خطرناک بود در کوچه باغ به انسان حمله می کرد. سن گندم هم بود که محصول گندم را خراب می کرد یا محصول شیرین می گرفت. یک بار یادم هست ملخ ها آمدند از طرف زارچ آمدند و به طرف رستاق رفتند. یک نصف روز اشکذر بودند . هیچ برگ سبزی جا نگذاشتند.

موقوفات

زردشتی ها در اشکذر آب زیاد

رفتند خر بعدی و همین طور تا آخر باغ می رفتند . ببخشید که گفتم «خر» . این اسم آن قسمت هایی بود که به این ترتیب خاک آن زیر و رو می شد و البته ضمن این کار ریشه های درختان و خار مور را از خاک و گل جمع می کردند و احیاناً کود یا استخوان یا خاکی پشم و این ها هم به گل اضافه می کردند . یک سال هم می انداختند بعد از یک سال، زمین باغ آماده بود که درختان جدید بنشانند. در واقع باغ نو می شد. درخت نشانند هم برنامه داشت . دور تا دور باغ را قلمه انار می گذاشتند. انارها متفاوت بود و انتخاب نوع انار هم برای خودش دلایلی داشت. انارهای مختلفی بود مثل : شهرار ، گرج ، گرج شهرار ، ملس، داداشی ، قرمز ، ثریا ، شورک، تب و لرز، تفتی که خودش سه رقم بود قسمت میانه باغ را قلمه انگور می گذاشتند. انگور هم انواع و اقسامی داشت. عسکری ، رازقی ، مَر، دل خروسی ، سمرقندی ، بی دانه ، شونی، تیرماهی و کماری ، انار شهرار و انگور کماری اشکذر همه جای استان یزد معروف و زبانزد بود . همراه قلمه انگور درخت شفتالو می کاشتند تا ۴-۵ سال که درخت های انگور ، انگوربیار می شدند از شفتالو استفاده می کردند. می گفتند پنج گنج یعنی درخت از ۵ سالگی محصول آور می شود. درخت شفتالو هم متفاوت بود مثل : شکری ، آبدار، آر تک ، شفتالوی زمستونه طوری بود که تا وقتی برف هم می آمد روی شفتالو می نشست، داشت پخته می شد. در هر باغی یکی دو تا درخت زرد آلو هم بود که آن هم انواعی داشت مثل : پیوندی و شکری. دم باغ هم برای درخت توت و آلوچه بود مخصوصاً درخت توت که حتماً باید دم باغ باشد دلیلش هم این بود که اگر می خواستند افراد غریبه ای را برای توت خوردن به باغ بیاورند همه جای باغ را نبینند. به چشم زخم عقیده داشتند و می گفتند مخصوصاً درخت زردآلو خیلی زود چشم می خورد. دلیلش هم این بود که اگر طوری می شد که باغ نمی توانست آب کامل بخورد دم باغ حتماً آب می خورد، که می گفتند او (آب) پا توتی دم نو آب هم چند درخت گل محمدی می گذاشتند. خلاصه وقتی کار باغ روفتن تمام می شد صاحب باغ به اندازه ی ۶ کیلو خرما می خرید که بایستی بین ۱۱ نفر تقسیم کند. جیغ بان ، پا اوکش (پا آب کش) میراب و چند آبیار و چند سبکوش ، از چیزهایی که برای باغ لازم بود گود و شیب بودن باغ بود. برای این کار بایستی گل باغ را بردارند و بیرون ببرند. به

نخی هم بود که تعدادی مهره چوبی داشت که سبو کش برای شمارش و حساب نگه داشتن تعداد سبو استفاده می کرد هر سبو که تمام می شد با شروع شدن سیوی بعدی یک مهره از این طرف به آن طرف می انداخت

اگر طوری بود که روشنایی خیلی ضرورت پیدا می کرد آتش روشن می کردند. در زمستان که هوا خیلی سرد می شد، مردم ناچار بودند که آتش روشن کنند. منقل های گرد کوچکی بود که آتش در آن می کردند و می بردند توی اتاق . به آن می گفتند «کلک». افراد فقیری بودند که برای کار کردن بیل نداشتند. می رفتند بیل از همسایه یا کسی قرض می گرفتند. آهنگرهایی بودند که گاهی به اشکذر می آمدند، بیل می فروختند، تعمیر می می کردند. افرادی که پول نداشتند بیل نو بخرند می رفتند بیل شکسته شان را وصله می کردند . کسانی هم که می خواستند بیل بخرند ، بیل کاملاً آماده نبود. خریدار بیل را انتخاب می کرد. بعد آهنگر لوله اش را می پیچید یعنی جایی که برای دسته بیل بود را درست می کرد. بیل هم سه مدل داشت کوچک ، متوسط و بزرگ.

باغ روفتن

در قدیم یکی از کارهایی که می کردند باغ روفتن بود یعنی باغی که درخت هایش پیر و فرسوده و عمرش تمام شده بود را می روفتند ، یا اگر زمینی بود که می خواستند به باغ تبدیل کنند می روفتند و آن هم به این صورت بود که با ۵-۶ تا شاگرد (کارگر) چندین روز طول می کشید و همه خاک باغ تقریباً تا عمق دو متری کاملاً زیر و رو می شد و به این ترتیب بود که اول باغ حدود نزدیک به دو متر را گودبرداری می کردند و عمق آن هم ۱/۵ تا ۲ متر می شد. گل های آن را در عرض باغ به سمت دیوار باغ می ریختند یا با الاغ بیرون می بردند و یک کانال کنده می شد. بعد در ته یک کانال گل های قسمت بعدی را به صورت غار می کنند و بیرون می ریختند و زیر آن را سرتا سری خالی می کردند . خیلی بایستی مواظب باشند که گل ها یکباره فرود نیاید و روی سرشان آوار نشود که اگر گل ها فرو می ریخت زیر خاک مدفون می شدند وقتی این قسمت جدید آماده فروریختن می شد کارگراها بالا می آمدند و روی زمین باغ می ایستادند و بیل هایشان را کنار هم (چسبیده به هم) آخر آنجایی که خر بایستی فرو بریزد در زمین فرو می بردند و خر به یک باره یا با چند قسمت فروکش می کرد. دوباره می

آن هم از هیزم، پوست خشک شده انار، مدفوع خشک شده گاو، شونار کاه که از ته آخور حیوان بر می داشتند و این ها استفاده می کردند و صبح نوروز همه ی اهل خانه از این که دیگ غذایشان آماده بود و قرار بود ججه بخورند خوشحال بودند. به همدیگر مبارک باد می گفتند، حمام رفته بودند، لباس نویی برای خود تهیه دیده بودند. آجیل هم بود ولی آجیل هایی که خودشان عمل آورده بودند، مویز، برگه زردآلو و شفتالو، آلو خشک، انجیر خشک، گندم و نخود بوداده، تنه و تخمه و سنجده که همه اش محصول خودشان بود. سفره هفت سین هم بعضی ها پهن می کردند البته به تشریفات امروزی نبود دعای یا مقلب القلوب می خواندند می گفتند به تعداد روزهای سال یعنی ۳۶۶ بار باید این دعا را بخوانند تخم مرغ رنگ کرده در نوروز رایج بود مخصوصا بچه ها و جوان ها که تخم جنگی می کردند بازی های دیگری هم بود، کشتی می گرفتند، مشت زنی می کردند، به مبارک باد بزرگ ترها می رفتندو عیدی می گرفتند.

با تشکر از آقای حاجی علی اکبر دهقانی، در نظر داشتیم همسرشان کوکب جعفری نسب هم در این گفت و گو مشارکت داشته باشند که فرصتی باقی نماند و خاطراتی هم از حاجی علی اکبر دهقانی باقی ماند...

شاید وقتی دیگر...

کارهای کشاورزیمان را انجام می دادیم ولی با همه زحمتی که می کشیدیم در آمدی نداشتیم، مخصوصا که آب دهشیخی هم خشک شده بود و ما رعیتی زیادی روی آب دهشیخی داشتیم آن وقت، زمانی بود که مردم برای کار به تهران می رفتند، من هم رفتم، در تهران اول دو سال در دفتر معمار خرمی که فامیل بودیم کار می کردم، حساب، کتابش را می نوشتم، مصالح ساختمانی جور می کردم، بعد رفتم نقاشی و بند کشی یاد گرفتم، تقریبا هفت سال تهران کار می کردم که آدم و دیگر نفرتم. می خواستم در تهران بمانم ولی به خاطر مادر و خواهر هایم گفتم بهتر است اشکذر باشم، برق کشی هم بلد بودم وقتی معمار رحیمی موتور برق آورد برق کشی خیلی از خانه ها را من انجام دادم.

«ججه» برای نوروز

چون نزدیک نوروز هستیم کمی هم از نوروز برایتان بگویم. یکی از برنامه های نوروز این بود که شبی که فردایش نوروز بود، همه ی خانه ها بایستی یک دیگ روی اجاق بگذارند. غذایی که می پختند به آن «ججه» می گفتند. مواد غذایی آن کله بود یا گندم و اchiانا حبوبات دیگری، البته مواد غذایی آن با توجه به وضعیت خانواده ها متفاوت بود و در هر صورت بایستی دیگ روی اجاق باشد. این غذا تا صبح داشت پخته می شد. برای آتش

پیش به میراث فرهنگی دادم. خورجین بافی، بنایی، نقاشی، خشت مالی، برق کشی، در همه ی این کارها هم استاد شده بودم. سال های زیادی هم در اشکذر سر کار قالی بافی بودم. تونه (نخ های تار قالی) را می توندم (می تنیدم) یعنی از روی کپی (گلوه) ی به هم پیچیده ی (نخ) برای دستگاه قالی آماده می کردم. بعد می بردم به خانه قالی باف به دستگاه قالی بار می کردم. رنگ و نقش به قالی باف می دادم. مواظب بودم دستگاه شخ یا شل نباشد، دوزنگ نشود، می رفتم می پیچیدم. هر کاری داشت انجام می دادم تا قالی از دستگاه بیرون می آمد. به خاطر تجربیاتی که در کار قالی بافی داشتم از من برای تشکیل دادن شرکت تعاونی فرش دعوت کردند که برای تاسیس آن هر کاری لازم بود انجام دادم ۱۵ سال مدیرعامل شرکت فرش اشکذر بودم. در سال ۸۷ بازنشست شده ام ولی هنوز هم بیکار در خانه نمی نشینم و به باغ و صحرا سر می زنم. در مجالس چاووشی خوانی، قرآن خوانی و نوحه خوانی دارم کارشناسی املاک هم انجام می دهم و در املاک موقوفه اشکذر هم اطلاعاتی دارم که اگر مردم بپرسند جواب می دهم.

رفتن به تهران

من بعد از فوت پدرم همراه مادرم

آباد به دهشیخی تغییر کرد. بار سوم که قنات دهشیخی خشک شد و این دفعه خدا رحمت کند طباطبایی آن را احیا کرد (البته با نفقه کشاورزان) که باز هم خشک شد که جای آن

شغل های من

من زحمت دنیا خیلی کشیده ام. هنوز بچه بودم که مسئولیت یک خانواده به گردنم افتاد. گرچه پدرم در سن جوانی از دنیا رفت ولی مادرم خیلی زرتنگ بود. شرایط زندگی هم او را زرتنگ تر کرده بود. پدر که رکن اصلی خانه است رفته بود ولی مادرم نگذاشت ما حالت یتیمی و بی کسی بگیریم و چرخ زندگی ما را چرخاند و خیلی مواظب بود که چرخ زندگیمان مثل زمانی که پدرم بود بچرخد. خیلی هم متدین و مذهبی بود به بچه ها قرآن آموزش می داد، اهل مسجد و نماز و روزه و روضه بود تشویقم می کرد که نوحه خوان شوم.

من هم هر کاری پیش می آمد انجام می دادم و از هیچ کاری نمی ترسیدم. کشاورزی، دامداری، شال بافی، پشم ریزی، میش چینی، زلیبافی، حلاجی. من بر اثر کار با رشته حلاجی پینه ای روی دستم درست شده بود که شاید حدود ۶۰ سال است روی دستم مانده است. دستگاه شال بافی ام را چند سال

و تا آنجا که می توانستم برای پیدا کردن آب و ملک های وقفی آن ها کمکشان کردم. نزدیک به هفتاد قلم می شد. بحث موقوفات اشکذر بسیار مفصل است و همه ی آن ها را اگر جمع آوری کنند یک کتاب بزرگ می شود و کاش یک نفر پیدا می شد و تا من زنده ام این کار را می کرد. من می توانستم کمک کنم در اشکذر ۴ موقوفه مهم داریم، یکی همین علومی ها، دوم موقوفات خانقاهی، سوم شفیعیه و چهارم موقوفات سیدعلی اکبر قنات یزدی که هر وقت خواسته باشید من درباره ی آن ها کاملا برایتان توضیح می دهم.

قنات دهشیخی

قنات دهشیخی اول به قنات رکن آباد معروف بود. آب خوب هم داشت کم کم خشک شد. دوباره احیا کردند ولی باز هم خشک شد. سه بار این قنات را احیا کردند خشک شد دلیلی که خشک می شد این بود که آبش شنه ساز بود. رسوبات آن ته نشین و به شکل سنگ سخت در می آمد که می گفتند (شنه) تکه های آن را مردم می آوردند برای لب جوی آب که می خواستند بنشینند و برای نوی آب استفاده می کردند. بار دوم که خشک شد علومی ها آمدند خرج کردند احیا شد، شیخ علومی این کار را کرده بود به همین خاطر اسم قنات هم از رکن

مدیر ریاضی را دوست داریم

I.Maths

آی صحت یک برنامه منحصر به فرد جهت غنی سازی محیط دار ریاضی و تقویت مهارت های پایه مانند مشاهده کردن، فکر کردن، استدلال، برآوردن، موقع خلافت و... در کودکان ۳ تا ۷ سال است. این برنامه از سال ۱۳۹۴ پس از انجام باالویت در استان فارس و است جمهوری اسلام از مراکز ذی صلاح در کلیه استانهای کشور شروع به فعالیت نموده است.

مواد آموزشی، کتاب ها و روش آموزش این سیستم بر پایه مبانی علمی و نظریه های معتبر روانشناسی می باشد. این برنامه که حاصل سال ها تحقیق مجتهدی است بطور طراحی شده که کودکان از طریق ریاضی دارک بهترین از دنیای اطرافشان حاشه باشند.

از این برای این ریاضی، برداشتن مواج ها، دایره و استعاره در علم، مهارت فکر کردن، مهارت فکر کردن.

آیا می دانید! بیش ترین رشد هوشی در سن ۳ تا ۷ سال اتفاق می افتد.

شماره تلفن جهت ثبت نام: 0921 441 3063

ویژه کودکان ۳ تا ۷ سال

نماینده گی جهت اجرا در زارچ، رضوان شهر، اشکذر و ریستای اهراف

پذیرش مدرسه علمی خواهران فاطمیه

شهرستان اشکذر

امتیازات:

آشنایی با علوم اسلامی و معارف اهل بیت (ع)

اعطای مدرک رسمی کارشناسی

ثبت نام اینترنتی:

www.whc.ir

اشکذر، خیابان شهید داداشپور، کوچه عارف

شماره تماس: ۳۲۷۲۰۳۹۵ - ۹۱۳۲۵۲۵۳۵۷

مثل ماهی، زنده، مثل سبزه، زیبا، مثل سمنو، شیرین، مثل سنبل، خوشبو، مثل سیب، خوش رنگ و مثل سکه با ارزش باشید.

سال نو مبارک

((نماینده گی I.Maths اشکذر))

لازم به توضیح است این حوزه علمیه در ایام الله دهه فجر در روز ولادت حضرت زینب کبری (س) با حضور آیت الله ناصری نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه یزد، حجت الاسلام کارگر شورکی مدیر حوزه های علمیه خواهران استان یزد، حجت الاسلام طالبیان امام جمعه اشکذر، محمدمعلی شاه حسینی فرماندار و جمعی دیگر از مسئولین و مردم افتتاح گردید.

... و به یاد شهیدان...

پرسید : ناهار چی داریم مادر ؟
مادر گفت : باقالی پلو با ماهی...
با خنده رو به مادر کرد و گفت : ما امروز این
ماهی ها را می خوریم و یک روزی این ماهی ها
ما را می خورند...
چند وقت بعد... عملیات والفجر ۸ ...
در اروند رود گم شد... و مادر... تا آخر عمرش
ماهی نخورد...



www.ashkazar.com

سالنومبارک

"روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر"

فرارسیدن ۲۰ جلدی اثنانی سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) را پیشانی تبریک می گویم



"روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر"

تورهای قارچی

کجا بریم

تور هتل گشت

استانبول آنتالیا
سائرن ارمنستان

کوش اداس
دوبس تایلند

خرجستان روسیه
آذربایجان هند

تورهای دافلی

کجا بریم

مشور کیش قشم

اشکذر / ایران / آسمان کویر اشکذر

تلفن: ۰۲۳۲۷۶۲۸۱

پست: ۳۷۲۵

انتخاب شایسته

روستای شمسی رستاق از شهرستان اشکذر

ب عنوان

برگزیده ی برگزیدگان روستاهای دوستدار کتاب ایران

در سومین جشنواره ملی روستاها و عشایر دوستدار کتاب

را به عموم مردم شریف استان یزد

بویژه اصحاب فرهنگ و فعالان عرصه

کتاب و کتابخوانی تبریک عرض می نمایم

روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد

این موفقیت فرهنگی پرازش را به عموم اهالی شهرستان
اشکذر به ویژه مردم فرهنگ دوست شمسی تبریک می گوئیم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر



جناب آقای ایوبی اشکذری

موفقیت جنابعالی در کسب عنوان نایب قهرمانی مسابقات
زیبایی اندام استان را به جنابعالی و عموم اهالی محترم و
مخصوصا جامعه ورزشی شهرستان اشکذر تبریک می گوئیم.
روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر



جناب آقای سینا دهقانی اشکذری، دانش آموز پایه

چهارم دبستان پیشنازان منطقه ۴ تهران

موفقیت افتخار آمیزتان را در کسب مقام اول کشوری طرح
جابرین حیان را به جنابعالی، خانواده گرامی و معلمین دلسوز
و عموم اهالی اشکذر تبریک می گوئیم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر



جناب آقای محسن امیری

انتخاب شدن جنابعالی به عنوان سردبیر فصلنامه «گستره»
نشریه علمی تخصصی انجمن علمی - دانشجویی جغرافیای
سیاسی دانشگاه تربیت مدرس را تبریک گفته ، موفقیت هر
چه بیش تر شما را از خداوند متعال خواستاریم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

تبریک

موفقیت تیم فوتبال فرانک اشکذر در احرار رتبه سوم لیگ
استان را به حامی محترم تیم، جناب آقای حمیدرضا کلانتریان
، بازیکنان، عوامل اجرایی، عموم اهالی به ویژه جامعه ورزشی
اشکذر تبریک می گوئیم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

جناب آقای مجتبی زارع

انتصاب شایسته جنابعالی به ریاست اداره ی برق شهرستان
اشکذر را تبریک گفته ، از زحمات آقای ابوالفضل ماندگاری در
این سمت قدردانی می شود.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

جناب آقای سعید زارع

انتصاب شایسته جنابعالی به ریاست اداره ی بنیاد شهید و امور
ایثارگران شهرستان اشکذر را تبریک گفته ، از زحمات آقای
محمدرضا پورعسکری در این سمت قدردانی می شود.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

سرکار خانم اعظم دهقانی اشکذری

انتصاب شایسته سرکار عالی ، به ریاست مدرسه ی علمیه
خواهران فاطمیه شهرستان اشکذر را تبریک گفته، موفقیت
هر چه بیش تر شما در این عرصه مهم فرهنگی - مذهبی را از
خداوند متعال مسالت می نمایم.

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر اشکذر

ماشا Coffee

همراه با خانواده

مکانی آرام همراه با
انواع نوشیدنی ها لاهوه
آب میوه و خوراکی
های ویژه دار
و غذاهایی از جمله جوجه
و کباب و پیتزا

اشکذر - انتهای خیابان شهید داداش پور
جنب ورزشگاه دانش آموزی کوثر
۰۹۱۳ ۱۵۶ ۸۳۰۱